[illegible]

گر عاصی و [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خواهم بود

من می خورم و هر که چو من اهل بود

می خوردن من به نزد او سهل بود

می خوردن من حق ز ازل میدانست

گر می نخورم علم خدا جهل بود

از خیام

[illegible]

یا رب [illegible]

[illegible] خواهم بود

خیام ترا چه [illegible] دارد [illegible] گنند

و آنگاه [illegible] تو [illegible] گنند

[illegible] زنده [illegible]

خدایا [illegible] تو گنه عظیم دارم

نخورم غم گنه [illegible] تو [illegible] کریم دارم

ای آنکه ز تو کسی عذاب نشود آگاه

ای آنکه ز تو [illegible] خواهم بود

[illegible]

از [illegible] تا قصر

از قصر تا [illegible]

از [illegible] تا پای طاق

از پای طاق تا [illegible]

از [illegible] تا [illegible]

از [illegible] تا باغ [illegible]

از باغ [illegible] تا چهار [illegible]

از [illegible] تا [illegible]

از [illegible] تا [illegible] شمس

از [illegible] تا [illegible]

از [illegible] تا [illegible]

[illegible]

اگر گاه ... [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

حضرت رسول	ابا ... [illegible]
الله	[illegible]
سرعت	... [illegible]
[illegible]	الله [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

باب خروس

روز یکشنبه ... [illegible] اگر گو — روز دوشنبه ... [illegible]

شب دوشنبه ... [illegible] — شب سه شنبه ... [illegible]

خانه او کسی ... [illegible]

شب چهارشنبه ... [illegible] — شب پنجشنبه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

شب جمعه ... [illegible]

[illegible]

هر کس ... [illegible]

[illegible]

صلح جمعه [illegible]

روز یکشنبه

ساعت	کوکب
ساعت اول	شمس
دوم	مریخ
سیوم	مشتری
چهارم	زحل
پنجم	قمر
ششم	عطارد
هفتم	زهره
۸	شمس
۹	مریخ
۱۰	مشتری
۱۱	زحل
۱۲	قمر

روز دوشنبه

ساعت	کوکب
ساعت اول	قمر
۲	عطارد
۳	زهره
۴	شمس
۵	مریخ
۶	مشتری
۷	زحل
۸	قمر
۹	عطارد
۱۰	زهره
۱۱	شمس
۱۲	مریخ

روز سه شنبه

ساعت	کوکب
۱	مریخ
۲	مشتری
۳	زحل
۴	قمر
۵	عطارد
۶	زهره
۷	شمس
۸	مریخ
۹	مشتری
۱۰	زحل
۱۱	قمر
۱۲	عطارد

چهارشنبه

ساعت	کوکب
۱	عطارد
۲	زهره
۳	شمس
۴	مریخ
۵	مشتری
۶	زحل
۷	قمر
۸	عطارد
۹	زهره
۱۰	شمس
۱۱	مریخ
۱۲	مشتری

پنجشنبه

ساعت	کوکب
۱	مشتری
۲	زحل
۳	قمر
۴	عطارد
۵	زهره
۶	شمس
۷	مریخ
۸	مشتری
۹	زحل
۱۰	قمر
۱۱	عطارد
۱۲	زهره

جمعه

ساعت	کوکب
۱	زهره
۲	شمس
۳	مریخ
۴	مشتری
۵	زحل
۶	قمر
۷	عطارد
۸	زهره
۹	شمس
۱۰	مریخ
۱۱	مشتری
۱۲	زحل

شنبه

ساعت	کوکب
۱	زحل
۲	قمر
۳	عطارد
۴	زهره
۵	شمس
۶	مریخ
۷	مشتری
۸	زحل
۹	قمر
۱۰	عطارد
۱۱	زهره
۱۲	شمس

مه لبیی

م	ه	ل	ب	ی
دو	پنجشنبه	شب	دوشنبه	مشتری

مرل جه

م	د	ل	ج	ه
دوم	جمعه	شب	سه‌شنبه	زهره

مزلدل

م	ز	ل	د	ل
دوم	شنبه	شبا	چهارشنبه	زحل

ما اهیس مبل ورا محل زخ مد لدد

مه لبیی مرل جه مزلدل ما ورا د

بل تفرد بحاجتي وقول كفايتي

والنظر إلي والقرب في جميع أموري

دانیال

بسم الله الرحمن الرحیم

ملکترف الکتریک

۱ پیل و میزان الکترومتر ۲ حفظ ملکترف ۳ اسباب بهار گلشقه ۴ عمل ملکترف

قسمت اول پیل بجهة حفظ ملکترف که عجالةً پیل دانیال را انتخاب میکنیم که عبارت
اول از یک ظرف زجاجی دوم آنکه ظرف سفالین سیم آنکه یک استوانه ثانیاً — انشعاب
از مس چهارم یک ظرف یا استوانه یا کوزه از روی پنجم محلول کات کبود ششم آب خالص
یا آب ترش از جوهر گوگرد یا جوهر نمک هفتم مفتولهای متعدده یا تخته های مس یا بطری مقداری که باید
جهة ربط اسبابها اول ظرف زجاجی بزرگتر از ظرف سفالین است زیرا که ظرف دوم باید
در ظرف اول وضع باید بشود که متحرک باشد و علاوه بر این باید که محلول کات کبود و ظرف
مس در او باشد دوم ظرف سفالین بهتر است که باید خیلی ظرفیت ان کمتر باشد و ... آنها باید

تساوی

تساوی ظرف زجاجی باشد و بجهة میله یا استوانه یا کرده روی است که آب خالص یا محلول فیتق
جوهر گوگرد یا جوهر نمک دارد سیم ظرف یا استوانه مس که باید بسیار پس آن خوب شسته و لامع است
که از انعکاس پس از ظرف بلور باشد بلکه گاه از ریت عجالةً چهارم استوانه روی که عجالةً
اند که مرتفع تر از ظرف سفالین است و روی آن جیوه مالیده و از خالص و منتخب شده و مقدار
از استوانه مس بزرگتر است و عجالةً ریخته شده اند در قالب های سخت و تقریباً بهمه سطوح آن
ملغمه شده اند و طرز ملغمه کردن این است که اول اگر قدیم باشند سطحهای آن را خوب پاک کنند
و بعد در محلول جوهر نمک یا جوهر گوگرد فرو برند و بعد در یک ظرف که زیبق دارد نگاه
دارند و خوب با لته کهنه بمالند تخته زیبق جهة عمل دیگر بکار میخورد پنجم محلول کات کبود
بهتر آن است که آب خالص غیر مقطر سیاهک را بردارند و کات کبود بقدر کفایت توی آن بریزند
و گاه گاهی بهم زنند تا آنکه آب بقدری که امکان حل کند و محلول غلیظ شود و معلوم است
که محلول کات کبود مسمّ است شدید و نباید که در جائی باشد که محفوظ نماند و مردم جاهل و باران
بجای چیز دیگر بخورند طرز ترکیب پیل اول از آب خالص تقریباً ظرف سفالین را پر کنند که نصف

به انگشت از ابریشم خالی پر و بیم ظرف روی را در ظرف سنگین گذارند و بعد ظروف سنگین زرد
در ظرف زجاجی نهند و میانه این ظرف استوانه مس را گذارند و از محلول کات
کبود ظرف را پر کنند بجهت یکه باز نیم بند انگشت از ابریشم خالی باشد و اگر چند باتری متعدد باشند
و روی و مس بیکدیگر مربوط باشند باید که اول ظروف سنگین را گذارند در ظروف زجاجی
و در وسط آنها یکی در ظرف سنگین و سنگین را در ظرف زجاجی و با آب صاف اول
تمام استوانه های سنگین را پر کنند و بعد محلول کات کبود در ظروف زجاجی ریزند و بعد
با سیمها و پیچهای فلزی مس جفت اول را با روی جفت ثانی متصل سازند
و همچنین تا آخر یک پل مس و یک پل روی باقی ماند اگر مس و روی یک دیگر متصل باشند
باید بتوسط مفتول اعلی تقدار که پوشیده شده باشد از ابریشم یا کوتاه جا باید معلق
در هوا باشند که متصل بیکدیگر شوند و مایه ربط آنها باشند و یک جفت پل که عبارت
از ظرف شیشه و ظرف سنگین و مس و روی و محلول کات کبود و آب باشند یک پل مینامند
گویند و عدد و در پیچیدن یک باتری چند عدد زیاد است هر قدر عدد او کثیر زیاد شود قوت الکتریک

زیاد خواهد بود

موجبه مثبته — منفیه

مس — روی

زیاد خواهد بود بجهت حصول سیاله الکتریک باید هر پل را که با یک دیگر مربوط
شود بواسطه مفتول آهن منظور پل روی و مس است آنکه در آخر هنوز ربطی بیکدیگر ندارند
پل روی قطب پل موجبه و مس قطب منفیه یا عکس ما روی را پل منفیه و مس را پل موجبه
گویند زیرا که سیالات الکتریک اول از روی که موجب است اثر کرده و از
عبور مینماید و از مس آخر خارج میشود و بجهت عبور یک مفتول خط ملتزق که ثابت است
و سیاله منفیه ابتدا از مس که منفیه است شروع میکند و عبور از روی کرده
از روی خارج میشود قوت الکتریسیته بظهور میرسد از اتصال بواسطه مفتول ملتزق دو پل
پل را بیکدیگر و علامت کار موجبه و منفیه + و – این علامات گذارند عقربک مقناطیس
با میزان گلوانومتر است را که در فاصله ثابت واقع است و بواسطه حرکات
مقناطیس معلوم میشود که قوه حاصل شده است و اگر از جای خود عقربک حرکت نکند معلوم میشود
که نقصی وارد آمده در میان و پیچها عیبها که پیدا میشود یا فراموش کردن است
در ظرف سنگین یا فراموشی محلول کات کبود است در ظروف یا آنکه فراموش کرده باشند

که ربط مس و روی را بدهند یا اسباب ربط شکسته شده باشد یا اگر ظروف زیاد پر از
مایع باشند یا یخ از آنها گذشته باشد و ربطی در میانه زمین شده قوه نبود پس باید
در اینحالت ظروف را عوض کرده ظرف خوب بگذارند چونکه سیالات الکتریک همیشه
مایلند که پس از خروج از پیل قصر خط را طی کنند تا آنکه به یکدیگر رسند لهذا احتراز لازم است
که همیشه پیلها را در جای خشک گذارند پیلهائی که عمده اسباب حمل و نقل که زبان انگلیسی
این پیلها بسیار ساده اند و تفاوتشان با دیگران اینست که در یک جعبه بند حجره منقسم
شده اند و در ربطه یک دیواره متخلخل که از یکدیگر جدا اند و این دیواره در آنجا کاری
استوانه متخلخل پیلهای سایر است مس و محلول کات کبود در یک حجره و آب و روی در حجره
دیگر اند و در اینجا دقت باید کرد که دیواره متخلخل بخوبی بربطه سقف چسبیده شده هیچ
عبور داده در مایع در یکدیگر نشود و چون این پیلها را گران تمام میشود لهذا باید
حتی الامکان ولعتدره در پاره ملکه و نقش آنها قصور نورزند و شخص مخصوص از برای تعمیر
چیزی را بیان نمیکند در بیان ملاحظات اسباب تعلیق پیلها اول وقتی آب است

پیا پا چن

یا چند استوانه متخلخل و فراموش شده باشد دوم وقتی که محلول کات کبود در یکی یا بعضی از استوانه‌ها
فراموش شده باشند سیم وقتی که از ربطها مس روی و مس شکسته یا فراموش شده باشند
چهارم وقتیکه هر یک از ظروف متخلخل شکسته یا رگ خورده باشند پنجم وقتیکه یکی از ظروف
کات کبود معیوب شده باشند ششم وقتیکه پیلها مدتی در کار نبوده باشند محلول کات
کبود چند ایام قوت میباشند و ملاحظه کنند که یک مایع مایل بسفیدی شده و چند ایام
کبود میشد و با اینکه روی و مس آهسته سیاه شده باشند یعنی رنگ رفته باشند پس باید کمال دقت
همه اسبابها را پاک کرد استوانه‌ها مس و روی را با بیست شسته و با چیزی خشک کرده شوند
و اگر در یکی از ربطه زنگ سوراخ داشته شود باید عوض کرد و باید استوانه روی را ملغمه
کرد و باید تمام پیچهای ربطه را در باره بسته مانده محکم کرد و همچنین سفیدیهای ربطه را
زنگش را پاک کرد

میزان کلوان

اگر یک عقرب مغناطیس را که آلت حرکت داشته باشند در بالای مفتول بطوری که سیالات
در او عبور میکند نگاه دارند این عقرب یک سمت حرکتش تغییر کند و اگر بالای یک مفتول

یک مفتول عایق دارد که از ابریشم پوشیده شده و چندین نوبت دور حلقه پیچیده شده باشد
و هر یک سر مفتول مذکور در وسط این الکتریک فشار خواهد بود و الکتریک عقربک نسبت بمیزان
بسیار است بنا برین که نسبت بوجه با مقدار معینی برقرار الکتریک فشار معلوم میشود که
سیاله فشار آب کلان عبارت از این تفصیل که در کرانش یعنی عقربها است
واقع در وسط مفتول‌ها که از ابریشم پوشیده شده است و چند نوبت دور حلقه پیچیده است
از برای تلگرافخانه این اسباب بسیار ضرور و مفید است زیرا که وقتی که واقع میشود بعین
سیم خط تلگراف و اسباب معین شود که قوت از منزل خارج میشود یا یکجا منزل دیگر
سیم هر چیز عایقها قوت موجه در تلگراف استعمال میشود از جمله عمل تلگرافخانه سیمی است که
گرد که در چه صورت معین خبر میدهند و در چه صورت خبر بازمیرسد

مفتول خط تلگراف

بجهة اینکه سیاله الکتریک از موضعی بموضع دیگر عبور کند بایستی اجسام هادی که بتواند مقدار
بیشتر استعمال کنند لهذا عموماً مفتول که یک حامی قوای اسباب از منزل بمنزل دیگر میرود بکار
حامی حکایت

مایع هوائی
سیال جاری آنرا درون

حامی قوای سیال‌ها است اول اجسام هادیه است که عبارت اند از فلزات و آب و بخار
زمین است و هر قدر ضخامت و قطر اجسام هادیه بیشتر باشد عبور الکتریسیته بهتر و بیشتر خواهد بود
چون قطر زمین بیش از ماده اجسام معروفه است و در ازای مواضع در رطوبت کثیره است لهذا
بهترین تمام اجسام هادیه است و درجات مختلفه هست فلزات از جمله کار به شخص بشود
که مس در عمل الکتریسیته هادی ترین و بهترین فلزات است و بعد از آن آهن است و چون قیمت
مس بیشتر از آهن است و بقدر کفایت یافت نمیشود در صنایع محل استعمالش بیشتر است
و عایقها خطوط تلگراف که از مس اند از جمله دزدان بیشتر بردن و شکسته و دزدیده میشوند
عایقها مفتول واقع در سوار از آهن میسازند و اجسام عایقه الکتریسیته عبارت اند از
چینی — شیشه — رشته — کاغذ خشک — ابریشم — گوتاپرکا
و غیر از اینها چوب‌ها — ذغال خشک — دار خشک این اجسام عایقه در کار زند و
استعمال میشوند فلزات هادیه نیز یک نوع نیستند جهة عبور الکتریسیته بعضی از فلزات
درجه هادیت‌شان کمتر و قطرشان کمتر و طول آنها زیاد و ترتیب تاب نفع الکتریسیته‌شان

چون نقص اینها بعد از طول اینها درکار است

زیاد تر است در صورتیکه عدد و قسم پیلهای یکی فرض کنند که با دو جهت استطاعت است

که قوت رسیده است بهمیکه با فلان منزل باید این قوت را داد این قوت الکتریسیته است با آنکه

بقدر کفایت نیست و اگر خلیه یا قوت هم ان ده حقیقی باشد و اسم قطرش

زیاد تر است معلوم است که قوت زیاد تر بمنزل مذکور خواهد رسید اگر یک خط متلاقی از دو

که سیمش بیش از دو آخر قطرش مساوی سیم آخر باشد بار قوت الکتریسیته که بمنزل اخیر رسد

با وجود اتحاد عدد پیل تساوی فاصله کمتر خواهد بود اگر یک خط متلاقی داشته باشند

که سیمش ازین شد و قطرش نیز زیاد تر در صورت تساوی عدد پیلها و فاصله بطریق

اولی قوت الکتریسیته در منزل دیگر بیشتر خواهد شد هر قدر فاصله بعید منزل اخیر بیشتر باید

پیلها فزوده و قوتشان را زیاد کرد در ایران چون بیشتر از یک خط متلاقی نیست اگر

فاصله زیاد در منزل الکتریسیته قوت بقدری کم خواهد بود که کفایت کند در کار کردن

اسبابها چاره نیست مگر آنکه عدد پیلها را زیاد کنند و اگر گاهی خط در خطها در بعضی جاها [illegible] از آن

تالی نمودن سیم گاهی بهم شود باید نیز عدد پیلها را زیاد تر نمود و اسباب عمده [illegible]

ضرورت زیاد

ضرورت زیاد شد پس از آنکه رفع ضرورت شد زیادتی را بر دارند و عموما

در هر حالت نباید بیش از ضرورت داد چه قوت زیاد شود چیزیکه بسیار عمده است

عایق دادن و تنها کردن سیم است در ملک فرنگ جا بجا تیرها از چوب اند و در صورتیکه سنگ

چوب نادر باشد گران است با آنکه سوراخ [illegible] یکی را بگونه تیرها

نصب کنند بجهة نگاهداشتن سیم با اینکه بزمین متصل نشود چونکه چوب تر در حین

رطوبت مادی قوت الکتریسیته بهتر است که سیم به آنها متصل نشود پس چیز از عایق قرقره

کرده به دو حامل سیم شده و تنها عبارت اند از یک پارچه آهن ریخته در پوسته یا چوبها

نصب شوند و در این پارچه آهن مخروط ظرف چینی [illegible] یک نوع سنگ عایق چسبیده اند

و در وسط آنها یک مفتول ضخیم آهن عایق داری است که حامل سیم اند پس چیز عایق کاملند

تنها اول قوت کمی از مفتول راه تیر با زمین نخواهد نفوذ کرد و تلف شده [illegible] های عایق را

نیز در جیبها و یا خانها [illegible] نصب کرد در این صورت باید دقت کرد که چوب یا تخته

یا برگهای درخت یا چیزهای دیگر متصل بسیم نشوند و هر سال شاخهای درختها را [illegible]

ودر صورتیکه معبر سیم از خانهاش باید از کوتارچا یا ابریشم چون پانند اگر متصل به دیوار شود
سطلی بهتر است که در هیچ جا در راه الکتریک نباید معقول متصل به زمین شود قوت الکتریسیته
از یک پیل حرکت کرده همیشه قصر خطر را طالب است که طی کنند و متصل به هر جا بیرون شود
پس اگر در فاصله مرتوقف الکتریسیته بعد از ربط با زمین باید نقصان در عایق بر قوت او ابدا
تا همان جمله ربط خواهد رسید و زمین خواهد رفت و در نقطه زمین ملحق به پیل دیگر میشود و
قوت در منزل دیگر نخواهد رسید و باید ربط منفوتها پیلها با معقول راه در نهایت دقت
داده شود و بهتر آن است که بجهت اطمینان آنها را با یک دیگر با قلع لحیم کنند و سیم کنند
قبل از لحیم کردن خوب محل لحیم را از اکسید و زنگ پاک کنند و بعد با کوتارچا یا ماده عایقه
دیگر بپوشانند و آنچه در ربطی که در ادوات است نیز باید با دقت لحیم کنند و با ماده عایقه
و بجهت الکتریسیته همین یک سیم باید با عایق دار زیرا که پل دیگر حامل زمین است و کافی است
و دیگر است و نباید که از هر پل قبل از مقصد به یک دیگر برسند و ملاحظه باید کرد
در منزل ربط خط الکتریسیته با زمین در محل خوب اطمینان بجهت آب و رطوبت جاری قوت

اکسید
زنگ جوهر را گویند

الکتریک

هادی
مقابل را گویند

الکتریک بنذر خاک حک چندین یا دیگر الکتریسیته نیست مجموعه پس که مربوط بخط الکتریک است
واقع در جای بادخانه یا جای مرطوب باشد و اگر در جای مرطوب است باید حفظ از رطوبت کنند
یعنی از آفتاب منع نمایند و یا همیشه با جانه آب جاری مرطوبی نگاه دارند و قبض کنیم
که خط الکتریکی در حالت صحت و قاعده و نظم است قوتی که در یک رسیده و از سیم خارج میشود
و از تمام سیم عبور کرده با توقف دیگر بر بیوه و اجزای اسبابی که متصل با آن سیم است شده و
بهتار الکتریک را انداز و داخل زمین شود و از زمین عبور کرده تا به پیرامون منزل اول
میرسد و بدیهی است که اگر از روابط اسباب فراموشی و غلط شده باشد قوت به منزل نخواهد
رسید بجهت عمارت و تعیین عوایق و رفع معایب الکتریک بسیار نافع و لازم است آلات اعتیادی
در سیم باشد که دیده شود بهتر آن است که مواقع مختلف سیم را هر یک صحیح وارسی کنند
و این عمل جاری میشود از اینکه یک طرف سیم را متصل به پل کنند و پل دیگر را مربوط به زمین
نمایند و طرف دیگر سیم را شهاکه ارند و الکتریسیته را در میانه در پل سیر و خط الکتریک ربط
دهند و اگر انحراف بهم رسیده معلوم است در خط الکتریک عیبی بهم رسیده بجهت عمار خط

عمارت
بی قطعه را گویند

تلگراف از بلاهایی که بواسطه مردم یا حیوانات یا سیلها گاهی پیدا میشود بعضی از خطوط تلگراف را
در زیر زمین یا در دریا عبور میدهند از این معقول است که برای زیر زمین متصل باشد
و عوایق کامل داشته باشد یعنی دور تا دور سیم ها ماده عایق دارد و دیگری پوشیده باشند
وانها در لولهای آهنی یا سربی یا سنگی واقع باشند تا ماده عایق از آسیب و
حیوانات و هوام و هوا و آتش و ترشی ها محفوظ باشند [illegible] اما از لوله تر
[illegible] زیر [illegible] عقب [illegible] برق [illegible] اما از لوله تر

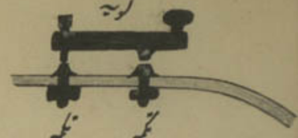
یا بلند طور

منظور از این اسم [illegible] بواسطه آن [illegible] را روانه میکنند عالبا
در نزدیک میز [illegible] واقع است و بواسطه پایه ای نصب شده و بواسطه لوله [illegible] عمود [illegible] بسهولت
حرکت کند و در یک طرف بازوی لوله یک تکمه است که بواسطه استحکام در [illegible]
و بسیار حرکت لوله لازم است در زیر لوله بواسطه اند که از پایه یک دایره کامل از
دو سمت دیگر لوله نیز چنین دایره کامل است و این هر دو به دایره دایره منتهی شده اند

اسبیت [illegible]

بطلای سفید زیرا طلای سفید جسم است که رنگ نمی پذیرد و کسیده نمیشود و دارد

عادی



عادی این دو دایره یک از تکمه نیز متشابه با انها است که منتهی میشود بطلای سفید میشود
و بواسطه پیچهای مرکوز آنها بتخته و در جلو اسباب نزدیک پایه یک کلاهی است که
منتهی است و دو دایره است در جوانب پایه و فشار رسیده از تحت و فوق بسمت لوله که تکمه دارد
و لهذا باید زیاد فشار بدهد که بسهولت بدون اذیت دست پایین و بالا حرکت تواند
حرکت نمود و وقتی که در عرض است نقطه عادی در تکمه نیز که در عقب مجاور تکیه کرده
و سیله وسط باید بالوله با آن نقطه که در طرف پایین همان تخته نصب شده و لوله و نقطه
آن مربوط بسیله وسط است و رابطه با لوله تر از آن قرار است که این سیله وسط لوله بواسطه پیچ مربوط
با سیم خط تلگراف است و نقطه جلو تحتانی نیز که در روی تخته نصب است متصل است
به پیچ پس پل همان توقف و نقطه تحتانی نیز عقب تخته متصل است بلکه نیز [illegible]
و با ارتجاع با زمین وصل و روی پیل بهتر است که مربوط بکار است اگر ساله [illegible] قطع دارد
حرکت کند بهتر است که از پل پس تا انتهای موقف حرکت میکند و از این خط راه عبور کرده
در سیله میگذارد و از لوله نیز میگذرد و چون در عقب با لوله تر اتصال موجود است بواسطه [illegible]

توقف
جای توقف و استعمال و
نگاه و [illegible] حرکت
و در [illegible] حرف [illegible]
است

داخل [illegible] میشود و اورا [illegible] و بعد داخل زمین میشود و [illegible] عبور کرده

از زمین منزل دیگر وارد پل روی همان [illegible] که اول حرکت از آنجا میشود در صورتیکه

نخواهند قوت [illegible] موقوف [illegible] باید لوله را از جانب [illegible] تخته

در تخته جلو [illegible] قوت از پل [illegible] حرکت میکند و از [illegible] تخته جلو [illegible] پولاد

عبور نموده و از لوله میگذرد و چون [illegible] تخته عقب [illegible] پولاد [illegible] اتصال ندارد قوت

از میله [illegible] عبور کرده داخل سیم خط راه میشود و از آنجا وارد [illegible] پولاد [illegible] دیگر شده

بهمان طریق که ذکر کردیم [illegible] را [illegible] میاندازد و بعد از زمین عبور نموده

منزل اول خارج شده وارد پل روی [illegible] اول میشود و باید چند وقت

گرد اولا [illegible] اتصال را [illegible] نگاه دارند تا اول قوت تواند بسهولت عبور کند

دوم که [illegible] بسیار منظم [illegible] همیشه لوله را [illegible] تا [illegible] نقطه عقب اتصال

کامل باشد سیم [illegible] میله [illegible] [illegible] باشد [illegible]

[illegible] دیگر باشند چهارم که لوله [illegible] سریع الحرکت [illegible] بسهولت [illegible] قوت داد

واتصال

واتصال [illegible] کامل شود و فنر [illegible] بسهولت توان [illegible] پس [illegible] میتوان

[illegible] قوت [illegible] قصیر فرستاد و بدین طریق [illegible] تا منزل دیگر

بهمین نهج کار میکنند زیرا که [illegible] آنجا همان [illegible] که مجاورت [illegible] پولاد [illegible] است

بهمان مدت [illegible] جذب قصیر علامات مجاورت قصیر [illegible] که نقطه است و جذب

طولانی که [illegible] علامات خطوط است و این قصر و طول [illegible] میشوند اگر [illegible] کاغذ بکار رود

که بواسطه جذب [illegible] لوله [illegible] ترسیم میشود چنانچه بعد ذکر خواهیم کرد و از اجتماع خط و نقطه [illegible]

که الف و با [illegible] مرکب است و بهمین سبب این الف و با را الف و با [illegible] گویند زیرا که [illegible]

نام مخترع اوست [illegible] کار کردن [illegible] این الف و با را باید [illegible] کرد که وقت [illegible] از نقطه

خط [illegible] نقطه [illegible] کلمه [illegible] است و [illegible] نقطه

فرض شده [illegible] خط [illegible] نقطه [illegible] کلمه [illegible]

از [illegible] نقطات [illegible] طریق [illegible] حاضر

و در آن [illegible] الف و با [illegible] در همه فرنگستان بکار

الفبای انگلیسی

از برای اشخاصی که بخواهند

زبان انگلیسی را بیاموزند

با کلمات

عده ده هزار کلمه

سر شروع چون زبان فارسی چند حرف اضافه دارد آنچه مشخص و شناسا است

تعقیب کردیم و ما چند حرف دیگر ناچار اضافه نمودیم

الف و با انگلیسی غیره	الف و با فارسی
a	ا
b	ب
c	پ
d	ت
e	ث
f	ج
g	چ
h	خ
i	ح

j	د
k	ذ
l	ر
m	ز
n	ژ
o	س
p	ش
q	ص
s	ض
r	ط
t	ظ
u	ع

خشم جمعه	----
صبر	----
فهمیدم	----
امیداه	----
نام	----
[illegible]	----
[illegible]	----
سؤال	----
جواب	----
غلط	----

غ	----	v	----
ف	----	w	----
ق	----	x	----
ک	----	y	----
گ	----	z	----
ل	----	ch	----
م	----		
ن	----		
و	----		
ه	----		
ی	-		

کلوانیزم

کلوانیزم را پیشتر ذکر کردیم و واقع است فیمابین مفتولها که از مس و طلا یا پولاد میکنند
و مفتولها و از خط سیم راه بیرون در صورت میتوان تحقیق نمود که سیال الکتریکه
از منزل خارج شود یا اینکه از منزل دیگر بیرون درآید چنانچه بیان کنیم و چگونه مانا تلواری
و کلوانیزم در منزل مربوط عبور میکند راه الکتریسیته چند وقت است و از منزل
قوت الکتریک برای دقت و کلوانیزم تجربه شده و کلوانیزم عبور میکند و با آب بکار میکند
معلوم شود و از منزل دیگر سیاله در حرکت است و از عیب برسید اثر است در آب
و الکتریکات است و اگر در وقت ارسال سیاله نیز الکترف پیدا شود علامت عیب پیر

باب الکتریکات است

این از اسباب مطلوب است که بواسطه اعمال قوت الکتریکه در تحت مخصوص حکم علمایان آنرا
بظهور رسانده و نامی بیاید است از لفظ جسم و نامی است از لفظ گوش و کلوانیزم
الکامی شش کرده علوی ... نموده ... اینها در اسپلات و بگویش ...

رفع

میرود با الکتریسیته اس باشد یعنی همه و همه وقتی در تعریف اسباب بایستی از قوه
الکتریسیته را ذکر نمود اگر پاره آهن نرم غیر مغناطیس شده مدور داشته باشند
اگر او را بپوشانند از مفتول ها و در حالتیکه دور او میپیچند به نحوی که از یک طرف آن تا بطرف دیگر
باید طریق دیگر راه مفتول از ابریشم پیچیده باشند اگر یک سر آن مفتول را به یک
از دو پیل و دیگری به پیل دیگر یک بهر ربط دهند پس از عبور قوه الکتریک از مفتول
واقع در روی آهن پاره آهن مقناطیس شود و جذب آهن نماید و در آن آهن
دو پیچ مختلف جنوب و شمال پیدا شود مادامیکه در ربط مفتول با پیل
آهن خاصیت مغناطیس است و بهولت جذب پاره آهنی کند و در حالتی که آن نصف است
و اسم آن را با لفظیه ارتاجه گویند اگر ربط مفتول با پیل کم گردد یعنی قطع شود قوت
مرتوف شود و حالت مغناطیس از آهن برداشته شود از پاره آهن گذارد
رکرده مغناطیس و با این نحو ساخته شود که الکترو مغناطیس باشد الکترو ماکنیت
حاکمه در الکتریک رسم شده میتواند سنگین ثقیل دیگر نیز را ... مغناطیس

متوازی سطح محاذی

مقابل دائره

سنبر از یک پهلو دیده نشود زیرا که پهلوی دیگر در عقب واقع است و متوازیست
با پهلوی T صاحب یک پارچه آهن کاست و پایه طولیش راست و یک لوله
G واقع است و متحرک میشود در محور C و واقع است در پارچه T
دائم پارچه نصب است در روی تخته آهن لوله G صاحب یک پارچه آهنیست بالای او
و بکار از آنجا پاره است بجهة الکتریک حرکت این بکمیت لوله باید بسیار پهلوی دیگر [illegible]
حرکت آن لوله بواسطه سیمها [illegible] است که واقع اند در پارچه سر B در طرف دیگر
لوله یک استداد راست G بسمت تحتانی ممتد میشود و در اطراف آن استداد [illegible]
G واقع است و متصل است به سیم [illegible] و حرکت میکند بجهة تعلیم حرکت [illegible]
از سر و پس هرگز از پارچه B خارج نخواهد پل را [illegible] انجا باقی دیگر [illegible]
بدو سمت الکتریک [illegible] متصل باشد چون ست لوله که در دهان [illegible] حرکت میکند [illegible]
و ثابت است خواهند [illegible] و در روی پل و رابطه سیم [illegible] بسمت تحتانی [illegible]
اگر قوه فنر او را نگاه ندارند قوت فنر [illegible] است و لوله را [illegible]

نصب در یک پارچه آهنی باشند طرز بجهة آن نیز میتوانند مختلف شود بعضی [illegible]
و قبضه در روی استوانها [illegible] واقع اند اگر [illegible] استعمال کنند باید
مکرر [illegible] در روی یک پایه نصب شود ربط داد با یک [illegible] دیگر [illegible]
نیز مربوطاست [illegible] اول از آنجا [illegible] نیز میتوانند [illegible] اشکال مختلفه
داشته [illegible] بهترین [illegible] استوانه ای است مجوف [illegible]
باید بجوفها [illegible] دارا باشند و با یکدیگر متصل نشوند [illegible]
باید [illegible] کرده شده باشند و بجوف [illegible] دارد تنها باشند هر قدر عدد [illegible]
و درشان بیشتر [illegible] کم [illegible] زیادتر [illegible] قوت [illegible]
زیادتر خواهد بود [illegible] عرضا [illegible] گذارند [illegible]
از آنجه عرضا [illegible] مجذوب شوند

بیان [illegible]

در روی تخته [illegible] عرضا قرار داده شده [illegible]

[illegible]

به پیچ بسته شود و نباید قوت فنر زیاده از اندازه باشد که مقناطیس الکتریک
سهولت ارماتور را [illegible] منقطع شود و پیچ [illegible] باید بطوری قرار داشته باشند
که هر وقت لوله بالا است ارماتور از پل جدا [illegible] و هر وقت پایین است
ارماتور به پل بچسبد و تکیه حرکات منظم نشد باید دیگر تغییری در وضع پیچها بدهد
اگر سیال الکتریک عبور کند از الکتریک مقناطیس ارماتور مجذوب پل شود
تا هنگامی که سیال موجود است و کفش بر [illegible] سیال قطع شد فنر او را بلند خواهد
کرد و در افتادن و بلند شدن پیچهای [illegible] صدائی ایجاد کند که صدای
صدا اگر زیاده خط است و اگر کم نقطه است پس نظم و ترتیب فنر لازم
و مسدود شده است زیرا که اگر قوتش زیاده شد مانع جذب ارماتور شود و اگر
کم شد بلند کردن لوله را نتواند در این نقشه الکتریک مقناطیس افقی
قرار گرفته اند و در نقشه الکتریک مقناطیس عموداً قرار دارد و در هر صورت نقاط
درعقب نگاه [illegible] بیان رسب [illegible] چاپ بشکند در کاغذ

کلیه این اسباب [illegible] است همین تفاوت است که لوله
[illegible] از سمت مقابل است و در لوله آن است پیچ بزرگ است که بواسطه حرکت
ممتد لوله این پیچ بزرگ علامتی در روی کاغذ بشکند [illegible] حرکت بواسطه چرخ غرغره
[illegible] اند بواسطه [illegible] هر چرخی متحرک است بواسطه یک فنری یا یک وزنه
[illegible] پیچ بزرگ یک نوع توقفی دارند و در آن توقف این علامات
[illegible] اگر علامات نوشته قصیر بطوری باشند علامات خط
و نقطه است و در وقتی که علامات بواسطه برگ چاپ [illegible]
[illegible] کار آن یک کرده است محیط [illegible] برگ بشکند [illegible] غرغره
[illegible] در سمت تحتانی واقع و برگ [illegible] در روی تکیه این اسباب [illegible]
یعنی قوت الکتریک در سیلان است این کرده چاپ بشکند در روی کاغذ که [illegible]
[illegible] غرغره است و در سمت فوقانی واقع است که چاپ نباید [illegible] غرغره آن [illegible]
[illegible] (۱) (۲) (۳)

(۴) (۵) (۶) (۷) بجهة و مه آنهاست چرخ اول کلیه دارد بجهة گرگر
کردن و زانه آنجز با مکرر آنست یک قرص استنماک کنند و واقع است
در فوسا که حرکت بکند در محور چرخ اول این چرخ باید گردش شود
از یک سمت یعنی مانند آنست که اگر از سمت دیگر گردش کند لهذا بست قرص بشکند
بواز آنان قرص گردش آنکه چرخ را متحرک شود پس این چرخ … حرکت رسیده اند
بر دو سمت مختلفه در استوانه را و در یک محور و قفه تا آنکه متحرک کنند
کاغذ نی که در چرخ اول است نسبت چرخ دوم چرخ کوچک بیم در محور یک
چرخ داخلی است و توسط آن میزان لهذا است … حرکت در چرخ را
منع کرده و این که آن است همان قدر چیز الطبیعه که آنها منع کنند
کاغذ را و دیگر بران آنکه بدون آنکه زشته شده … جا سر … آنها
محفوظات در صفحه اتحاد سر با اطراف … غبار و غیر آنها بود
زیرا غبار مرطوب اندکی او درست دقایق نیست اتصال … اجزای مختلفه

اسباب دوار ظاهر

اسباب دوار بحکم آنست و متفرقه آنها که در ارشمیم راه با در بلها از زمین سر بنید
در خارج جثه … متصل بره تا آنکه اعلال شد و وصل کیفیت شود
در غرفه ها که در کاغذ از آن باز میشود با کاغذ برای … میشود نیز در خارج و چند
تا آنکه در غرفه اول … پس از آنها کاغذ کاغذ دیگر گذارند و در غرفه ها
باز کنند و جای دیگر باشد و محور غرفه اول نیز باید در خارج … تا توان گردش را
بدون دخل … وجهه کرد با الاجزه جهای باطنه حرکات … بدهند
در خارج باشد

بجهة آنکه در درب … از آنکه … شود و … باز کند با … آنکه
… بقدر کافی … سحاب … در … انفعال
با بلغه رطوبت هوا قوه … غالباً ضعیف … و در این صورت …
عدد زوجهای … سیار آنکه … اسباب دیگر ریخته اند که اول قوت … سیاله
در خط راه … واداد … بر … یک سیم کوچک که … باری

باشند یعنی همین مجوف منظور آن است در این همین درم کار کنند چه بسیار ... که
در ستادن حرکت است و وسیله آهن بواسطه مانا پولاد و از و خطار است ... است
لایق بار بزرگ یعنی همین راه همین راه آهنیه حقیقت باشیر زیاد و راست از همین ...
این تشخیص اتفاقات این اسباب در سمای عمر این بر است ... باشند
زبان اسباب همان جند ... الکتریسیته بکنیم اگر مقناطیس داشته باشند
و در روی آن مشغول عایق دارد ... باشند در یک سر آن یک سیم
دو گز ... سیم دیگر منصل ... از همین در مشغول عایق دور مقناطیس
عبور کند میتواند درین مقناطیس را توقیف داد بطوری که جنوب ...
شمال شود و همین شمال ... جنوب گردد و نیز میتواند ... جنوب
قوه مقناطیس جنوبی متغیر شود و ... افزوده گردد و این به ...
و رهو قوت الکتریسیته و بجهت مشغول عایق دارد است در روی مقناطیس
مقناطیس متغیر کار را ... منجذب مقناطیس شود اگر قطبهای مختلف برابر و ...

قطبهای باشند

قطبهای یکدیگر باشند چنانچه در شکل مقناطیس یعنی که در قطب جنوب و شمال شکل معین است مقناطیس
دیگر که جای از ماچه است و ترکیب محکم است و دارای قطب جنوب و شمال است
منجذب شود در حالتی که قطبهای مختلف برابر یکدیگر باشند و بالعکس اگر قطبهای موافق
در برابر باشند از ماچه رانده شود پس قاعده چنین است که قطبهای موافق الاسم
دافع یکدیگر باشند و قطبهای مختلف الاسم جاذب یکدیگرند و این قاعده کلی است
بعضی از اسبابهای ... در نقشه ۱۷ یک الکتریسیته ... است که در روی تخته عمود
نصب است و دو قطب ... دارد یک بر همین الکتریسیته ... منقسم است ... راه دیگر
همین راه منزل دیگر و یک سر دیگر همین منقسم است بر همین یک لوله کوچک ... میتوانند
بسهولت حرکت کند در مرکز ... سایه و قطب منفصل الکتریسیته ... حرکات لوله میتوانند تنظیم
کمر دو لوله پیچها که در یک تخته مس ... کند و تخته مس در روی تخته نصب است
این دو پیچ باید عایق داشته باشند و منفصل ... اجزای اسباب باشند
زاین دو پیچ منقسم یک بر همین رشته و سر دیگر همین رشته منقسم است با یک پیچ ...

پیل مسی و سر پیل دیگر پیل مسی متصل است بلوله کوچک و یک فنری که نصب است
بلوله میتواند حرکت لوله را منظم کند مثل آنکه در رستر ذکر کردیم حرکت لوله
باید سهل و سریع و در پیچ باید بطوری نظم این حرکات را دهند که لوله نزدیک قطب
هر پیل الکتریک واقع باشد و تکیه کند روی پیچ که مربوط متصل به هیچ جز منبسط
زیرا که فنر او را بسمت فشار رسیده جنوب است باید اندکی دور شود
تر از پیل که شمال است بلوله اگر سیاله از خط راه حرکت کند
و از پیچ های الکتریک عبور کرده و از پیچ تا منزل اول بر گردد چون پیل
نزدیک تر است جذب لوله کند که در آن وقت متصل به پیچ دیگری که مربوط
است میشود پس باید سیاله از یک پیچ مسی آید و از لوله عبور کرده
و از پیچ و به پیچ های الکتریک عبور میکند و باعث مجذوب شدن
لوله یک نوع رله دیگر بطوریکه در شکل است فنری ندارد که متصل میشود
است که استعمال میکنیم و این شکل لوله در پیچ و در پیچ الکتریک

سلک جنوب

بطرزی رله ساختی اند که وضع شده اند و لوله که در آن است
که لوله خود مغناطیس است پل جنوب در نخته نگاه است و پل شمال در سمت خود
الکتریک نزدیک میشود لوله بطرف پیچها عموما در پیچ حرکت لوله را
منظم میکند بطوریکه نزدیک تر به پل جنوب متصل شود و در سمت فوقانی پیچ
در اینها چون در پیچ الکتریک متصلند به سیاله چون پیچ مسی جهت حرکت
در رستر رود تقریبا حرکت سیاله که از خط راه نیز حرکت مخصوص و بعضی
که در رله سابق ذکر کردیم اگر سیاله از پیچ های الکتریک رله عبور کند در پل
مغناطیس شوند پس پل دفع میکند لوله را که مغناطیس جنوبی دارد
و لوله مجذوب پیچ دیگر شود که پل شمال است اگر سیاله حرکتش بایستد
دیگر قوت مغناطیس در پلها نماند لوله میتواند بجای اول خود رجعت نماید اگر
در وسط واقع بود با آنکه بسمت جنوب پل نکشد بسیار وقت باید گرد و در وضع
لوله باید همیشه پل جنوب نزدیکتر که برای تجربه است که نظم حرکت پل شمال را

اگر به میل شمال یا جنوب نما و نزدیک تر شود پاره‌ای کار خود را می‌کند و دور اگر شاید به ازو دور

متصل شود و هیچ ... را از به جا ماند مرکز لوله را بشکنند پس یک بار گردید

و زودی نشان تغیر از اگر دو هیچ حرکت نمی نظم نکند تخصیص اینکه

علامات ... دارد نباید که رمی از تغیر باشد ملکه پس از اینکه کار خود حکم

شده باید دست نزنند که بنده است رفته اند و دوی

که رفته اف اند و ... باشند وضع این اسباب از زودی قاعده است و ذکر

می‌کنند قاعده که سابق ذکر کردیم و عبارت بود از اینکه سیاله الکتریک منقسم می‌شود

تغیر یا جنوبی در شمال مغناطیس ادهم و رهبی متفاوت یکدیگر را جاذب و همان

موافق یکدیگر را دفع می‌کنند یا نقطه همان اینکه سیاله اندر وی راه

منحصر است یا به یعنی که اینکه سیاله می‌تواند عبور کند و آن را معمول دیگر

و سوار از اوست در آن واقع است و دایره یا برج احاطه کرده و او را

که یکدیگر جسد و متصل به پاره‌ای از معمول است سوات پس از اینکه دایره

لیکن

سیاله میرود که در معمول است بسته سیاله در معمول حرکت می‌کند یا جنب و توبه

سیاله و دیگری در معمول می‌شود و لهذا این سیاله معمول پس از اینکه

زمانی موقوف شود در شخص راست در عبور سیاله است مختلف می‌شود عبور سیاله

است و اگر الکتریکی در دو سطح که کلاهک و دیگری در دو سطح این خلاف

عبور می‌شود پس از اینکه سیاله در سه موقوف شود تا اندکی زمانی باز سیاله

در ... باقی می‌ماند در عبورش مانند عبور اول است مایه آن سیاله در

... متولد و موجود می‌شود سیاله آمده وی گویند این قاعده به سبب ای اختراع

کردند که به الکتریک مثبت در اول ... در دایره معمول با یک و بلند در آن

یک دیگر متصل است و متوازی بر آن در روی آن منفرها به پیچیده در یک و بعد از آن

دور آن به یا متصل است هر این قاعده هم می‌توانند که است در زودی مغناطیس و پر

الکتریک تغیر دهند در به خواهم ... از اختراع و کشف این قاعده راه‌های ... بهتر

و اسباب دقیقه دیگر جسته شده که غالباً در صنعت است و اجرای را در متعصرا ...

شکل اول و قسمی است که از آنها نظر کند شکل دوم قطعه ایست که عمود [illegible] قطع کرده است
شکل سیم مقناطیس یافته است و صاحب دو پل [illegible] است در روی
مقناطیس [illegible] که از آن دو پل جنوب است که شمال چنانچه [illegible] است
[illegible] دست [illegible] در [illegible] است و در آن
یک الکتریسته [illegible] است و در این [illegible] است و [illegible]
[illegible] الکتریسته است و در [illegible] الکتریسته با این چنانچه
[illegible] یک زبانه کوچک [illegible] است و واقع است در [illegible]
بسیار دقیق است [illegible] استعمال مانند [illegible] است
و این زبانه می‌توانند مجذوب [illegible] شود حرکت این زبانه [illegible]
رابطه [illegible] است تا آنکه زبانه در [illegible] است
[illegible] داشته [illegible] خارج است [illegible]
[illegible] است [illegible] پل [illegible] است

زبانه

زبانه [illegible] صاحب یک لوله است که نیز در [illegible] خارج است تا توان
تشخیص داد که این زبانه مجذوب دو پل [illegible] است زبانه چونکه زبانه
[illegible] حرکت میکند فقط این چنانچه [illegible] که این جنوب مقناطیس است
و چون از این [illegible] شده نیز مقناطیس جواب میکرد زیرا که اگر [illegible] واقع شد این
پل مقناطیس باشد [illegible] آن [illegible] را که مجاور بوده [illegible] دو دو پل
الکتریسته [illegible] از آن [illegible] اند [illegible] در این استعمال مقناطیس
صاحب پل [illegible] شد و چون گفتیم [illegible] قوه مختلف [illegible]
و چون زبانه [illegible] صاحب قوه جنوبی [illegible] شد [illegible] صاحب پل
[illegible] است زبانه مجذوب [illegible] شود مطابق آنکه [illegible]
[illegible] و این [illegible] تعلیم [illegible] اند اگر زبانه [illegible]
[illegible] واقع در [illegible] مجذوب [illegible] شود [illegible]
[illegible] است [illegible] اسباب [illegible] است و [illegible]

یا ... که بیاب یک پیچ بچرخانیم اتصال یابد پس پیچ محیط را بکار برده و چون
روی این پیچ متصل است به پیچ رساند ... این پیچ را ...
متصل است به پیچ B در ربط به پیچ D است در صاحب نوک طولانی
متصل است این پیچ نیز باید از آن سیم را جزو این اسباب منفصل و تنها
باشد اگر زبانه ee مجاور پیچ D شود و مجذوب m شود دائره
الکتریسیته شود زبانه را بستر مجذوب شود و طول مدت جذب بسته به
طول مجاورت با پیچ D و اما اگر ee مجذوب m نشد و مجذوب
D شود هر نوک خفیفی دارد با سیم ... از آن حرکت عقب بکند بجهة
عمل اول رکب زبانه ee را منظم نمود و حرکت آن باید مناسب
و سهل داشته باشد ... حرکت نماید ... خفیف ... دور کند در میانه D
D ... شود از قوت حرکت و وضع ... m و m
... گردد لوله پیچ C این عمل جاری شود اگر این وضع و قرار اول ...

که ...

که خم باشد در یک ... میتوانند حرکت کنند چنانچه در شکل ملاحظه میشود
در ... زبانه ee باید در زبانه مجاور پیچ D ... در صاحب ...
عقرب است ... سیم ... یک ... حرکت ... یک ...
... متصل منفصل راه است و دیگر ... متصل ...
... سیم را ... وارد میشود عبور ... منفصل ...
و ... کند تا ... گردد ... سابق ... کردیم منفصل ... دقیق
در ... پیچ ... بطوری است ... سیم ... حرکت
... در منفصل ... جزء ... اسباب ...
قوت مقناطیس ... یکدیگر ... قوت جزء ...
همیشه قوت ... دارد ... و قوت جزء ...
... است ... قوت مقناطیس او تقریبا زایل شود و چون ...
همیشه قوت ... دارد و قوت ... آن ... سیم ... یک

زیادتر شود پس زبانه c c که همیشه مقناطیس جنوبی دارد بشدت مجذوب پیل
شمالی m m شود و پس از آنجا ورت با پیچ D دایره الکتریک بسته شود
و پیچ میکی که بواسطه B m متصل رله است زنگ را براه اندازد اگر
زبانه پیچ حرکتش موقوف c c که بواسطه نبودن فنر بجای اول
خود رجعت میکند و اگر یک سیاله اندودی دیگری نبود همیشه مجذوب
پیل m m می بود زیرا که نزدیک تر باو است سابقا گفتیم که پس از رد اول
سیاله اول سیاله اندودی موجود است تا لحظه که عکس ضد معبر
سیاله اول است بدین طریق m m دیگرش زایل شود و پیل
قوت ساکنش زیاد گردد پس پیل جذب زبانه کند و زبانه متصل بپایه
عقبی پیل شود از این گاه در ترتیب رله اسباب جات رخنه میشود که از اسباب آن
ضعیفه نیز منتشر میشود و جمیع علامات را با سرعت و تکمیل میتوان نمود
و علاوه براین بسیار نادر است که احتیاج نظم بچهار D و D پیدا شود

و چون احتیاج

و چون احتیاج نظم فرنی منیت این نوع رله بر همه انواع ترجیح کلی دارد
این رله میتواند کار کند با هر سیاله ساده را
و لا در آنوقت باید زبانه c c و پیچهای m m m m ترتیب داشته شند
که زبانه اگرچه مجذوب پیل m m نیز همیشه نزدیک تر به پیل m m زیرا
که وقتی زبانه c c مجذوب m m است و سیاله اندودی نیست که
چهار التغیر دهد و چون در این اسباب پیل m m m m هر دو یک درجه
قوت مقناطیس دارند زبانه c c وقتیکه سیاله از میان ما قطع شد
مجذوب نمیشود وقتی که به m m نزدیک تر از m m است بنابراین رله بسیار
لازم است که در دنیا سیاله از چه سمت وارد میشود ما اینکه سیاله جریانی
ما سیف بجهة دفع خطاهایی را که گاهی بواسطه رله است با بار را استقلال
کنند در بهترین بخواهند در حالتیکه نگردانند رسید دانند این اسباب
کم را تو بانند جمیع رله ها باید از غبار محفوظ باشند دیگر نیز بتند و با کمال دقت

برداشته و گذاشته شوند زیرا که اجزا و آلات در نهایت نازکی و دقت ساخته شده‌اند

کوماتر

اقسام مختلف است پایان نکنیم مگر آنها را که عموماً مستعمل اند و چند شکل
در کتاب است که بیان تفصیل آنها را میکند شکل اول و دوم و سیم کوماتر نها شده و چند
خطوط راه‌های مختلفه متکرر است بکار برند و در شکل چهارم بجهته رکم استعمال شود
کوماتر اول عبارت است از چهار پارچه مس در نزدیک یکدیگر
نصب شده‌اند بطریقی که اگر یک مخروطی فلزی در روی هر یک از آنها گذارند متصل
بیک دیگر شوند پس از آنها سیمها برد که به آنها آلات مختلفه نسبه محل الا است
پارچه مس اول متصل میشود بقوه پیلی تولاتر و پارچه دوم متصل بگلوای خط راه
آهن میشود و پارچه ب خط راه آهن و پارچه سیم را متوالی متصل بخط راه آهن دیگری
کرده در این شکل که بجهته فرستادن سیاله بخط راه آهن باید یک مخروطی فلزی در نقطه
اول و سیم گذاشت و همچنین مابین دوم و سیم نیز مخروطی گذاشته در آن سیم و چهارم باشد

مخروطی بالا

مخروطی باشد تا اینکه جریان تنها از طریق دو از دو انتهای متصل شوند اخبار را بواسطه
راه آهن برسانند یا اخبار را بهمان واسطه از جمیع مربوط بآن راه دریابند اگر یک
مخروطی فلزی اول و سیم و دیگری دوم و چهارم میگذارند و در مابین دو سه مخروطی تمام میشود آن
اخبار را برسانند یا دریابند بواسطه خط راه آهن بهمان طریق اسباب
دیگر ساخته اند که صاحب چندین پارچه مس است و چندین مخروط دارند
بجهته ربط پارچه‌ها معمولند چنانچه بعد از این خواهیم دید در شکل دوم دو شش پارچه
مس است شکل سیم کوماتر را است که صاحب دو دسته است که بواسطه
حرکت از یک سمت بسمت دیگر مربوط میشود با فلزاتی که متصل اند بخطوط مختلفه
راه‌ها که اسباب در این اسباب خط راه آهن متصل است بدسته
ک و خط راه آهن متصل است به د و خط راه آهن متصل است به
ب و دسته ج متصل است بقطب تولاتر و اسباب پارچه ه متصل است
با پارچه ب و پارچه ک متصل است بپارچه ج اگر دسته ک متصل شود به

ـه و دسته‌ها متصل است به سیم میتوان بواسطه خط [illegible] حرف زد
و اگر دسته‌ها متصل به [illegible] شد میتوان بواسطه خط راه [illegible] حرف زد
و اگر دسته‌ها متصل به [illegible] خط راه [illegible] میتوانند بخط راه [illegible]
حرف زنند و اگر دسته‌ها متصل به [illegible] خط راه [illegible] حرف زنند با خط راه
[illegible] این مثال‌ها که بیان شد استعمال این کوماتر است که شکل چهار
کوماتر است که بزبانه است و دسته [illegible] که متصل است بدو نیم دایره
[illegible] پارچه اول و دویم و سیم و چهارم در انطباق با نیم دایره‌ها متصل
ساخته پارچه اول متصل است بخط راه [illegible] و پارچه دویم متصل است
با یک سر مفتول پیچ زبانه‌ها و پارچه سیم متصل است بسر دیگر مفتول پیچ زبانه
و پارچه چهارم مربوط بازمین است و در شکل اول دو نیم متصل است به نیم دایره
پس و [illegible] چهارم به نیم دایره دیگر اگر یک سیلابه از خط [illegible] میآید وارد پارچه
اول و دویم شده و از مفتول پیچ زبانه‌ها میگذرد و به پارچه سیم و چهارم رود و داخل زمین رفته

انحراف از اول کند

رجعت در نیز از اول کند اگر سیم از این سیلابه جایه برگردد باید دسته‌ها
را از طرف دیگر برگردانند پس پارچه اول و سیم متصل شوند مانند پارچه‌های
دویم و چهارم و سیلابه از خط [illegible] آنکه عبور کند از اول سیم و از پیچ زبانه‌ها
گذشته و ما در سیم [illegible] مخالف سیم اولی است و از آنجا از پارچه دویم و چهارم
عبور کرده بزمین رسد و امکان عمل تمام شود

برق گیر

چون ظروف نقاط الکتریسیته از آنها متولد میشود بسیار مضر اسباب تلگراف است چون
در هوا گاهی مقدار الکتریسیته موجود است و ضرر میرساند اسبابها اختراع کرده اند
بجهة آنکه اول الکتریسیته بزمین رسد پیش از آنکه به اسباب وارد شود زیرا [illegible]
الکتریسیته زیادی الکتریسیته سیلابهای که است و از خواص او است اثر میکند [illegible]
[illegible] از آن مفتول [illegible] از آنکه اگر خط [illegible] میتواند جهة وصول تلگراف
طی کند مرکب از [illegible] اسباب را میکند تقسیم [illegible] برق گیر

در این مبحث باستعمال کنیم دقت است در زیر بالا دیده شود و
دقت است در کنار منظره در روی یک تخته زرنگ ضخیم آهن در تخته‌ها
تیر آهن است بطوریکه در تخته‌ها کوچک سه زرنگ به تخته‌ها زرنگ باشند و لها
تنها رطوبتی باشند و بواسطه تمام آنها چند با سیم آهن کوچک چند حلقه در نقطه
که میتوان دید هر تخته‌ها زرنگ مادون و واسطه مربوط بزمین است و تخته
فوقانی که به خط راه متصرف دکار زده شوند یک سر فوقانی از تخته‌ها متصل بخط
راه است و سر دیگر مربوط به اسباب و در این شکل خط راه منتشر است اگر الکتریسیته
متوقف از یکی از خطوط ... عبور پس از رسیدن برق گیر ترجیح میدهد
که بجهد در روی تخته‌ها زرنگ آهنی که در زمین است تا آنکه وارد اسبابها شود
زیرا که در این وقت مسافت طی شده آن بعیدتر خواهد بود و الکتریسیته متحرک
در زمین‌ها موجود شده است چون مقدارش زیادتر است تصفیه زرنگ بجهد وارد
اسبابها شود و شکی نیست که اینست در هیچ خطری بر انتقال در تخته فوقانی

دکنار

و تخته زرنگ تحتانی شود نقشه برق گیر دیگری است B و A
که استوانه است که نوک‌های آن مانند زرد یک بلند میکند و استوانه A
متصل است بخط راه و اسبابها و استوانه B متصل است بزمین و قتیکه
الکتریسیته متوقف از خط راه وارد برق گیر شود برق‌ها از استوانه A
با استوانه B میجهند و وارد زمین میشوند و حال آنکه الکتریسیته متوقف با
از استوانه A عبور میکند و بدون واسطه وارد اسبابها میشود این استوانه‌ها
عیبی که دارند این است که نوکهای آنها بواسطه حرارت که در برق‌ها حادث میشود
ذوب میشوند نقش برق پیدا میکند و حال آنکه در صفحه‌ها هر گز این عیب روی نمیدهد
و برق گیرها غالباً در خارج مکر خانه در جاهائی که مقدار زیادی الکتریسیته در خبری
لوازم است دادهای آن وارد و نباید نصب بنمایند اگر برق گیر منظم نباشد و طوفانی در رفع
نمایان شود باید اتصال اسباب از خط راه موقوف گردد و منفصل نمود و مشغول آن
راهرا بدون واسطه متصل بزمین کنند و اگر اسبابها بکار نمیشوند و لازم نمیشود نیز باید

منفصل سازند اینها را با خط راه پیش از آنکه ... به بیرون بروند باید معمول را بر

متصل بزمین کند

زنگ

این شکل بیان میکند زنگ را و ربط آن را با خط راه و اسباب دیگر بیان

زنگ یک مقناطیس دائمی ... نصب در تخته شده است که شبیه است

بمقناطیسی که در رساله اندودی ذکر کردیم در پل فوقانی ... که مقناطیس شمالی

وارد ... استوانه آهنی نرم است ... دارند ... مانند ... پیچیده

شده اند این ... استوانه آهنی متصل اند به پل شمالی مقناطیس و صاحب قوه

شمالی اند که ... است ... که ... است ...

پلهای جنوبی مقناطیس دائمی است و صاحب قوه جنوبی اند این ...

بسمت فوقانی ... یک تکه ... است ... مانند ... متحرک اند به ...

زنگها ... B B اند در زیر ... اسباب

زنگ یک ... ساده است بجهت آنکه زنگ را با خط راه ... متصل ... کند

... خط مذکور است و متصل به کوبه F است که در اوقات ...

... C و E اگر بدست چپ مایل است او را برگردانند اگر دسته F متصل

به خط راه متصل است زنگ و سیاله که می آید از F و E پنهان ... زنگ

عبور و بواسطه ... وارد زمین شود و قوس ... اگر F متصل به

به سیاله که می آید از F و ... و اسباب عبور کرده در زمین میرسد

و قوس ... و اگر F فقط ... و ... باشد خط راه تنها و عایق دار

خواهد بود در صورتیکه دسته F بچپید و سیاله از این ... زنگ عبور

کند بواسطه وضع ... یک پل ... قوه شمالی پیدا و دیگری تقریبا هیچ

مقناطیس نخواهند داشت بطوریکه در رساله اندودی ذکر کردیم پس لوبه

که مقناطیس جنوبی دارد و مجذوب پل شمالی وارد و مثلا در اینجا پل ... طیس

در سمت چپ است اگر سیاله موقوف شود پل برا[ی] آن ... قوه مقناطیس

شمالیش تا اندک زمانی بسیار شود و حال آنکه ... تقریبا ... مقناطیس نخواهند

و است بدین واسطه لوله از سیم ممتد و دیگر مجذوب شود و به پیاله آن زنگ خورد
و صدا دهد مطابق آنکه در محل دیگر تلگرافخانه علامات قصیره و طویله میزنند صدای زنگ
قصیر و طویل شود در آن وقت باید در محل حساب رسیده است و ثبت کند
کوتاه‌تر از آن صورت داشته در [illegible] گذارند تا آنکه حرف زنند با هم که اخبار
کرده است

در بیان حساب

بجهت آنکه خبری از محلی معینی به محل دیگری نقل شود لازم است که قوه برقیه [illegible] شد و یا عدد
حقیقت آن باطری [illegible] و لازم خواهد شد [illegible] بزرگ کنند تا تغییر دهند آلتهای مختلفه دفعه
در منزل معظم و بزرگ به قدر بعد آن زیاد نیست از این باب است که باطریهای
چندی در ترتیب داده اند و منفعت آنها و شدت و ضعف آنها را نوعی خواهند داد تا ضرور نشود
که باطریها را بزرگتر و شدیدتر کنند با آنکه در هر منزل تغییر دهند این ترتیب باطریهای
مایه این است در اسم این منزل اقرب کار کنند و قوه سیاله منزل ثانی وا داره شد
بسید و در منزل ثانی منزل دیگر تواند حرف زند به همین طریق تا به هر جا خبر بند.

[illegible]

به هر فاصله که باشد برسانند حتی آنکه اگر مفتول در دور عالم کشیده شده باشد همین قاعده که گفته شد میشود
حرف زد این قاعده متعارف کردن را آتش زنی نامند یعنی نقل اخبار از باطری
وجه این کار شده اند که از تلگراف یعنی نقل دهنده مانند خانه ای [illegible] در طهران
اسبابها هست آنها نمیشد و در شهرها خطها را نهند ولی باطریها که باشد در آن
سه چهار یا بیشتر خطوط متعارف وارد شده است و به هم می آمیخته باشند این منازل عالیه
جهة نقل و تحویل اخبار است به منازل مختلفه و این منزلها در خط اسم اینها آتش نشینی باشند
فرض کنیم که میخواهند خبری از طهران به ابوشهر نقل شود که تلگرافها از اصفهان
و شیراز گذارند پس طهران و ابوشهر آتش نشین باشند و شیراز و اصفهان را میانه منزل
نامند اگر از طهران با اصفهان حرف زنیم و هیچ نه تنها جهة عبور سیاله اگر بیک آن باشد
طهران و اصفهان را آتش نشین و چون فاصله زیاد بعد است این منزل معظم
و معتبر هستند و باطری مربوط به یکدیگر به یک سیم جهة این فاصله کافی است و همین
طریق یک سیم استعمال کنند جهة راه اصفهان و شیراز و از شیراز تا بوشهر [illegible]

و بوشهر

و طهران و شیراز و او بوشهر خواهند بود بجهة اینکه با اسباب نقل و تحویل از طهران [illegible]

خبر را

حرف زنند پیش طهران خبر اصفهان رسانند و پیش اصفهان بدون واسطه نقل کند

شیراز و پیش شیراز نقل کند خبر را با بوشهر و مدت این عمل تقریباً بقدری خواهد بود

که یک پیش از یک از طهران بدون فاصله با بوشهر حرف زنده شود بجهة نقل اخبار بالا

در رله یا در رب ترو [illegible] سعی کنند که یک کم تر در بعد از این خواهیم دید

رله حالی

این شکل تقریبی روابط رله ها را می نماید رله R R بجهة حمل جریان در رله

R جهة کار انداختن رب است فرض کنیم این رله ها در اصفهان نهند خط

[illegible] از طهران را با خط [illegible] از شیراز با خط [illegible] متصل است بوسیله

که از رله R است خط [illegible] متصل است بوسیله [illegible] رله R است خط

متصل است بوسیله [illegible] رله [illegible] یک زبانه اهرم شکسته رله های اول (دوم)

را هم متصل است زبانه [illegible] در دیگر پیچ های رله اول و دوم متصل است به چهار

[illegible]

روی

[illegible] و سر دیگر رله سیم متصل است به پیچ رله اول و دوم یکی از زبانه‌ها پیل راه

متصل زبانه [illegible] و سر پس آن متصل است و زمین [illegible]

یک مفتول که متصل میسازد پیچ [illegible] رله اول را با [illegible] رله دوم بوسیله [illegible]

رله R متصل است با یک پیل پیش [illegible] و پیچ [illegible] رله دوم

متصل است با یک پیچ رب تر و سر دیگر پیچ رب تر متصل است

به پیچ دیگر پیش [illegible] اگر خبری باید رسانند از طهران بواسطه شیراز بوسیله آمده از طهران

می آید بواسطه خط [illegible] بواسطه پیچ ۲ رله R و بواسطه پیچ های این رله

R [illegible] به پیچ های رله R و بعد زبانه [illegible] در اداره طهران [illegible] می‌کند

بواسطه این عمل بوسیله [illegible] رله R مجذوب شود و متصل به پیچ [illegible] و از آنجا

یک سیاله از پیچ خط راه در اصفهان بواسطه [illegible] رود در خط [illegible] و از آنجا

شیراز و از آنجا وارد زمین شده و از آنجا برگردد و به پیل اصفهان برسد

[illegible] دارد روشن

در همین بوسیله [illegible] رله R مجذوب شود و متصل به [illegible]

سته و دو شود اگر بشکند رب ترجیب لویه رب تر را که نه قسمی [illegible] اولیه
[illegible] رله R ولویه [illegible] رله R بعد بکه قوت سیاله در رله طهران
برای طول بکشد مجذوب میمانند و اگر بخلاف یک سیاله از زاید برای سیاله
از خط [illegible] عبور کرده و رابطه [illegible] رله R دیه هیچ [illegible] در رابطه اصفهان
رله R و از آنجا در بین های رله R بزمین رسد و چه بیشتر از زرینه بس لویه [illegible]
مجذوب شود و متصل به پیچ [illegible] شود و سیاله از بین خط راه اصفهان رود
و رابطه [illegible] ولویه [illegible] و خط [illegible] برای طهران و از آنجا بزمین رفته دوباره
به پیچ دیگر بین اصفهان برای بدین طریق بین طهران اصفهان قدر عملش با رنگ با اصفهان
زمین اصفهان همان خبر را شیراز برساند در همین نظم و قاعده میتوان خبری از بغداد بر[illegible]
و همدان و طهران و اصفهان و شیراز و غیره رسانید اگر در هر یک از شهرها یک رسالدار [illegible]
هکیه دکرش موجود شد اگر الله نباشد با تعریض که خبر در اصفهان خوانده شود از طهران
بشیراز بدون واسطه رفقاین قدر در اتصال خارج کند رله R را که متصل است [illegible]

R R در آن وقت مشغول رله‌ها R R متصل باشند [illegible]
در وقتیکه طهران با اصفهان تنها حرف بزند رابط لویه [illegible] رله R
میتواند موقوف شده با خبر و سیاله دیگر از خط [illegible] حرکت نکند همچنین
اگر شیراز با اصفهان تنها حرف بزند رابط لویه [illegible] رله R میتواند
موقوف شود تا سیاله از خط [illegible] حرکت نکند طریقه اصفهان با شیراز
و طهران حرف بزند با این اسباب ترانسلاتر بعد از این بیان خواهد شد

رب تر ترانسلاتر

این نقشه پایین روابط را بکند در روی هر یک از چیزی اول و دوم یک رب تر
و یک رله جا دارند که جهت ترانسلاسیون بکار برده میشوند خطا [illegible] متصلات
بلویه رب تر نزد اول و خط [illegible] مربوطات بلویه رب تر نزد دوم یک خط راه
کافی است جهت براه انداختن اسباب بهر دو نیز یا از نهایت متصلات
به پیچهای [illegible] و رب تر دیگر متصل است از بین پیچ [illegible]

دیگر درب تر متصل‌اند بدور لوله و اینجوری که مفتول‌ها که از سیم تر
اول می‌آید متصل است یکی از دو سر سیم لوله سیم دوم در عکس مفتول‌ها و از درب تر
سیم دوم می‌آید متصل است یکی از دو سر سیم لوله سیم اول و سر دیگر این دو متصل‌اند
بزمین [illegible] سلهای پیلی همه متعارف در کارند و سیم پیلی سیم اول جهة
رب ترسیم اول و سیم پیلی سیم دوم جهة رب ترسیم دوم است روابط باید
متعارف است فرض کنیم که این دو تلگراف در اصفهان است خط [illegible]
در طهران برای خط [illegible] در شیراز سیاله‌ای که از [illegible] باید از لوله رب ترسیم
اول عبور کرده و از آنجا به پیچ [illegible] در لوله‌های سیم دوم و زمین تا طهران
برای لوله رله سیم دوم این سبب مجذوب شود سیم پیلی داره ایش رسیده و
شود و لوله رب ترسیم‌ها نیز مجذوب کرده و متصل [illegible] شود و سیاله
از سیم خط راه رسیده و از [illegible] عبور کرده و از لوله رب ترسیم دوم [illegible]
بر پوره شیراز و در آنجا متصل بزمین شده در جهت تا اصفهان کرده [illegible]

[illegible] که زمین است برای متصل به [illegible] دیگر سیم شود بهمین طریق اگر سیاله
از خط [illegible] که شیراز است از لوله رب ترسیم دوم عبور کرده و از پیچ
[illegible] در لوله‌های سیم اول و زمین [illegible] تا برابر شیراز برابر این و لکن لوله
رله سیم اول مجذوب شود سیم پیلی داره ایش رسیده و شود و لوله رب ترسیم اول را
جذب کرده و این لوله رب ترسیم چون متصل به پیچ [illegible] میشود باعث
این میشود که [illegible] سیاله از خط راه برای و از [illegible] عبور کرده و از لوله خط
[illegible] طهران و زمین میکند و از [illegible] متصل به [illegible] دیگر سیم خط راه میشود
این شکل کافی است که همان طریقه ترتیب سلاسیون بهمین طرز اسباب
معموله در تلگراف استعمال میشود لازم است هر دقت کنند در نظم رله اسباب خوب
دیگر بجز این تا اینکه رب ترسیم خوب کار کنند زیرا [illegible] جای سعادت
احتیاج ندارد

این نقشه بیان میکند این اسباب را   در یک جعبه چوبی مانند پولاد
در لوله و زنگ واقع است شش صفحه پس پیچ دارد در طرف راست بسته هم با کهنه است
رو بطه را با مفتول راه و زمین و پیل راه و سیم مس داده شود صفحه ل باید متصل به مفتول
راه ز و صفحه ع با مفتول زمین ی که نزدیک صفحه ع است متصل به پل
س خط راه و ح و نزدیک ی است به پل اول پیل خط راه و صفحه
متصل است به پل س پیل مس و ح که نزدیک است به پل روی پیل که سیم آن را رابطه
مانند پولاد ها و رابطه ها و زنگها از زیر داده شده اند و از یک تخته پوشیده شده اند
که تو بطری پیچ میتوان باز کرد و دست از ل یک مفتول متصل میشود به پایه
پولاد و از زیر مانند پولاد متصل است به یک زمین رابطه دیگر زمین رابطه متصل اند به
ع و زمین و جلو مانند پولاد متصل است بصفحه ی که نزدیک ع است
و صفحه ح که متصل به پیل است متصل است نیز به ع و صفحه ی که متصل
به پیل مس است نیز متصل است به یک زمین زنگ و در دیگر زمین زنگ متصل است به لوله

و صفحه

و صفحه ح که در جلو است متصل به پیچ رابطه است رابطه این ترتیب باید
و از خط ل سیم از دسته مانند پولاد گذشته و از رابطه عقب زیرا که فنر
دسته را به بالا میکشد و از همین رابطه گذشته به زمین زنگ میرود با آنکه به پیچ ابر متصل شود
و از این عمل لوله رابطه مجذوب شود و متصل به آن پیچ دیگر شود و یک سیاله
که از سیم مس برای عبور کند از ی و از همین رابطه ترا لوله رابطه و پیچ رابطه
ح عبور کرده با سیم روی پیل مس برای بجهت آنکه سیاله بتوانند
دسته مانند پولاد را رفت رو دهند و سیاله از زمین و از رابطه جلو مانند پولاد
د دسته ل رابطه خط راه و سیم مس برقرار گذشته زمین سیم و از ع
به سیم دو و از ی سیم به پل روی پیل مس بجهت آنکه درست کار کند
باید رابطه ها را درست کوک کرد بخصوص پیچ فوقانی را باید و مرکز لوله است
و دسته بدرستی پیچ را که در زیر است با حلقه های لوله را منظم میکند بجهت اینکه لوله
از ترجیب صدا از روشنی و معتبر ... باید وقت کرد که [illegible]

مسکینند لوله زنگ را خوب و مجذوب شوند و کوک هیچ یکه ماده حرکت این
لوله است و نظم فنر زیر کاری و خوب است در جمع و نقل اسبابها باید پارچه یا
کاغذ ما حرف اسم در میان لوله و ملهای زبانه گذاشت و همچنان زبانه و ملهای زیر
تا آنکه دیگر حرکت نکند زیرا باید دقت کرد و پیلها همیشه با گره باشند
و خالی باشند و هنگامی که بخواهند کاری بر روی چرخ بشکسته بهتر آن است
پیشه و در صندوق دیگر است و معمول کاست که بر و دارو تا آنکه
در وقت رسیدن منزل حاضر و آنکه در وقت ربط حرکات اسباب
باید خوب بماند و فش رواد معتمد لیها را تا آنکه سیاله تلف نشود بندی خط
راه عبارت است از آنها که کوچک تر از اسبابهای بی محکمند اگر پیلها
پر باشند و توان تعدد کاست نباشد بهتر آن است در نظر قرینه تا که
روی دانه یک قدری نمک طعام با جوهر کرد زند و لیهای هرگز نباید ستخ در استوانه
پس رکت اول لوله آهنیه باید ربت تر اگر کوک زیرا در روابط بی محکم است

و همیشه حاضر دارند و بعد کوک کنند رقاص را از آنجا که ربط قصیر و بند چه عبارت است
از ربط معمولها و از پس می آید بصفحه که دیل روی را لحاظ باشد بصفحه
چرخ بجهة نظم کوک کردن ساعت باید ملاحظه کرد که پایه هیچ فنر را پیچ
بسمت راست اگر لوله ماده مجذوب پل شود باید بسمت چپ بماند اگر لوله مجذوب
مجذوب بی پا باشند اگر اسباب راه باشد و خوب کار نکند بجای تقصیر در پیلها
یا آنکه در روابط است از این باب است که چاره بلند است و اول روابط پیلها را
بررسی کنند و بعد مشغول تغییر حالات اسبابها باشند اگر تغییر کلی در اسباب
رسیده اند بهتر آن است که در ما محض تعمیر ندهد گر لیها کنند زیرا
که اگر جزئی دو بهله درست کم شود یا آنچه دست زده و کم کرده باید از او عوض
باید زیرا که این اسبابهای گران بها هستند
روابط اسباب و عیار و تغیر
بکار برده شوند و بیان عمل تحرک این نمره ۱ و ۲ نمره با لیه بکنند روابط

ربطها و اتصالات و راه مفتول که یک سیم را میتوانند جهة فرستادن خبر بکار برده
فلان نیز پایان میکند طریقه که اسبابهای مختلفه در روی میزی در دقیقهٔ اول
بسته اند مفتولهائی را که دو اسباب را بیک دیگر متصل میکند اجتماع
میز مزبوره فلان همین روابط و اتصالات را پایان میکند در یک نقشه عبارت است
از ترتیبی که تصویر نشان میدهد راه یک سیم را محصور میکند روابط
این نقشه در اجزای مختلفه بطریقی که در دو خط مربع مرسوم در نقشه ظاهر است
نمایان نیستند زیرا در این نیز موقوف و جهة صفحات کوچک است
و یک طرف نیز واقع اند صاحب حروف متعینه و هیچ اتصالی در این
اتصال و انفصال ظاهر نشود و [illegible] عبارت است از
[illegible] صفحات و مفتولهای
[illegible] بجهة طرف شمال بیرون تنها بکار روند مفتول از صفحات
[illegible] متصل مزبوره زمین و صفحه [illegible] و از یک [illegible] متصل اند بجهة مفتولهای [illegible] پیل

[illegible]

خط را میدهند و در صفحه [illegible] جهة مفتولهای پیل متصل اند بجهة اینکه روی میز را
بیک دیگر ربط دهند مفتولها دارند و متصل میسازند یک میز را با [illegible]
میز دیگر را همین مفتول دیگر جهة ربط [illegible] میزی به [illegible] میز دیگر در نقشه
این دو مفتول ضخیم کشیده است مانند سایر مفتولهای تحتانی نیز
و از این جهة آمده اند و واقع است در این نقشه نمایندهٔ مفتول
در نقطه [illegible] با نهایات مفتول دیگر باید رد است بجهة اتصال [illegible]
میزی به [illegible] نیز دیگر و مفتول دیگر مانند جهة اتصال [illegible] میز به [illegible] میز دیگر
در روابط این مفتولها در نقشه هیچ خط راه و اراده متصل نهایات
مفتول دیگر متصل میسازد [illegible] میزی را به [illegible] میز دیگر و نیز معادلات
بصفحهٔ زمین و علامت [illegible] در صفحه [illegible] با صفحه [illegible] یک قره بوجودی آورند
بجهة اینکه متصل سازد یک مخروطی در آن که از بجهة [illegible] بیرون
یک مفتول [illegible] از [illegible] یک میزی می‌آید متصل است [illegible] مفتول

دیگر ه C نیز به B نیز دیگر یک منقول دیگر از C نیز می آید
بجهة اینکه متصل شود به C نیز دیگر یک منقول دیگر از C نیز
اگر به C نیز دیگر برای [illegible] در وسط هر نقطه اجرا باشد یعنی در نیز آید
ه از صفحه تخته با سنگ [illegible] B [illegible] و کلوکر ه نیز اند C [illegible]
کمتر از باشد [illegible] B [illegible] تا پولاتر از باشد و اگر کسی بر گوید C
H [illegible] H [illegible] اب تر از باشد [illegible] C [illegible] کمتر از باشد و چه
تغییر راه بسیار [illegible] C [illegible] C [illegible] باشد خارج از این [illegible]
نیز در ورق گیرند [illegible] از اینها خط C [illegible] دیگری خطا [illegible]
متصل اند [illegible] و اتصالات [illegible] های مختلفه نیز لازم است
بیان شوند [illegible] اینها را باید شناخت چون حروف [illegible] نقطه
[illegible] رابطه ها هستند اول بیان [illegible] مختلفه [illegible]
و اتفاقات راه بطرف واقع میشود

[illegible]

فرض کنیم در این [illegible] در اصفهان باشند خط راه [illegible] از طهران می آید
و خط [illegible] در شیراز می آید احتمال دارد در این حالت اتفاق افتد
[illegible] اول در طهران خبر از برای اصفهان تنها است دوم در [illegible] از
یک خبری از برای اصفهان تنها است سیم اینکه اصفهان یک خبری تنها
بطهران نفرستد چهارم اینکه اصفهان یک خبری تنها به شیراز نفرستد
در جمیع این حالات لازم است مشاهده کند مخروطی در میانه
صفحه اول و دوم کلوکر [illegible] B [illegible] باشند با انحراف عقربک را
[illegible] و اگر مخروطی گذشته باشد باید زودی از صفحه اول
[illegible] عبور کند بدون اینکه از عقربک کلوکر حرکت نماید در این لازم است
در صفحه [illegible] C [illegible] یک مخروطی گذارند در وسط
[illegible] نیز باید در یک مخروطی در نقطه های کمتر از خطا راه
که [illegible] گذشته در نقطه [illegible] اند در طهران و شیراز

نیز محرک طهران یکی بار تا [illegible] راه نیز از نقطه [illegible] گذارند ([illegible])

اگر طهران با همین اصفهان حرف بزند سیاله از این نهج حرکت

میکند و از طهران بواسطهٔ خط L عبور کرده صفحهٔ [illegible] گیرد

و B (2,1) [illegible] C [illegible] D (2,1) F (2,1) [illegible] F

(3,1) F E P و از این گذشته بطهران مراجعت میکند و قسمتی

سیاله از این زبانه [illegible] میکند و لوله را مجذوب کند چون سیم

B برای دایره سیاله پیچ محکم مسدود شود و این سیاله از پیچ

C می آید و از [illegible] و [illegible] بر سر B زبانه

دلو و سیم B بجهت آنکه به پیچ [illegible] Z پس لوله [illegible] H

باشند لوله زبانه هر قدر سیاله از طهران می آید مجذوب میماند

(2) اگر شیراز با اصفهان به تنهائی حرف زند سیاله از خط L

آید از صفحهٔ زبانی B2 (2,1) F2 D2 (2,1) F2 (2,1)

و C (2,1) زیر F2 (2,3) F, E, P

و از این میگذرد تا دوباره بشیراز

مراجعت کند پس لوله زبانه [illegible] مجذوب شود و متصل به سیم B

گردد و یک سیاله از پیچ [illegible] می آید و از [illegible] زبانه

و B [illegible] زبانه و لوله و سیم B تا به پیچ Z ای دو دایره پیچ محکم

مسدود شود [illegible] زبانه H دیگر [illegible] بهمان طریق خود گر

شد (3) اگر اصفهان بطهران تنها حرف زند یک سیاله

از پیچ [illegible] راه خارج شده و از [illegible] D (3,1)

C ([illegible]) B (2,2) و صفحه [illegible] گیرد L

گذشته بطهران [illegible] و از آنجا [illegible] رسیده با اصفهان مراجعت کند

و بواسطه صفحه P E Z [illegible] پیچ محکم است [illegible] (2) اگر

اصفهان با شیراز تنها حرف زند یک سیاله از پیچ [illegible] حرکت

حرکت کند و از D2 (2,3) ; o ; (S) ; B2

رسیده از شیراز و گذشته که خط G در گیر برق صفحه (2,2)

و از آنجا زمینی رود تا اصفهان مراجعت نماید در صفحه P ؛ E ؛ Z

و پس دیگر پیش راه است برای در جمیع این حالات اسبابهای برای

و در اصفهان باید یک دیگر وضع بدارند و مهیا باشند که در خود و

بخواهش خود جار باطراف بزنند یا با تهاجر برای و علاوه برای

اسباب اصفهان در آن واحد مهیا نهند تا بگاه خط G

و حرف زنند ولی اسباب نیز اول با طهران حرف

بزنند و اسباب نیز ثانی با شیراز از B2 اول طهران تا بگاه اسباب بیرون

اسباب اصفهان بطهران بفرستند پس در اصفهان باید

مجرد طهران نقشه آن E بگوید تا بار ... راه گذارند از نقشه آن T

گویا ... ولی باید خبر ... طهران یا بین

E و تا 2 باشند و از طهران و شیراز مجرد طهران گویا تا در نقشه

E تا 2 باشند اگر طهران با شیراز حرف زند تا بگاه طهران اسباب بیرون

اصفهان سیاله از طهران بخط E رسیده و گذشته با اصفهان

و صفحه برق گیر و B2 (2,2) ; o ; (T) و صفحه ... راست

H (در لوله ربع 2) و صفحه Z ; 2 ; D (2) ; F (2,2)

o ; (بین 2) F (2,3) و صفحه Z ; E ; P

و وقتی که زد و بطهران مراجعت کند چون سیاله از بین رفته

بلکه زد و لوله مجذوب شود و پس حین چنانچه ذکر شد دایره اش

بسته شود لوله راست از H نیز مجذوب شود بطریق لوله ...

سیاله که از بین ... پس راه برای ... در ۳ و ربع راست تا لوله

داد صفحه ... و صفحه ... ; (T) و B2 ; (2 و ...)

برق گیر گذشته و از خط E حرکت نموده شیراز از راه و از آنجا زمینی رسیده

تا اصفهان مراجعت کند و از آنجا بواسطهٔ تخته P و E و Z رسیده
و می دیگر هیچ راه است (2) اگر از شیراز خبری بطهران نوشته
رابطه طرابلسانیون اصفهان یک سیاله از شیراز خط F
راه طی نموده و از راق کر B 2 و 2 (2 و 1) C 2 و J
و صفحهٔ ۲ و صفحهٔ ۲ و از ب را H (۲ و لوله و (2
و صفحهٔ 2 و 2 و D (2) و F 2 (2 و 1) و E
(1 و 28) و F (3 و 1) .... و صفحهٔ Z و E و P
گذشته تا شیراز مراجعت کند چون سیاله از این E2 عبور کند و لوله
مجذوب شود و مقصد به هیچ D گرده و هیچ محل دایره اش متشکل شود
شود و لوله از H2 نیز مجذوب گرده و هیچ دیگر را است
از یک سیاله که از این راه برای ارسال هیچ است و لوله
و C J F B (2 و 1) و از راق کر خط C بطهران رسد

(۱۱۱)

و در آنجا اسبابها را براه انداخته خود و از زمین تا اصفهان مراجعت میکند
و از تخته و صفحهٔ P و E و Z بهیچ دیگر هیچ راه برای خانه که ذکر کردیم و از تر
و رله اصفهان در این حرکت طرابلسانیون باید حرف تلگراف باشد
تا اخبار و اطلاعات مربوطه از شیراز و طهران صحیح در منزل مقصود برسند
و اما چون در هنگامیکه شیراز بطهران یا طهران بشیراز حرف میزنند
اصفهان نمی تواند ارسال کند جز آنکه اخبار آنها تمام شده
و باید در طهران و شیراز پس از اتمام مکالمه خود یک سیاله ممتد
طولانی با یک دیگر نوشته تا رابطه انحراف شده تلگراف اصفهان
بفهمند که خبر تمام شده و مطلب خود را تواند گفت پس اصفهان باید
کرهٔ تار آن و C نخ و ط را از نقطه اول D و C برداره و از
E گذارده و همان طریقه سیاه تا شیراز و طهران حرف زنند
از اینکه تا اینجا نوشتیم که در جمیع منازل متفرقه مالک ایران باید

انسا بهبهان شود و حرف زند و اخبار کند که فوراً در همه جا (بیرا) نقاط

و صبر باید چه کرد و خوب دراین است و هیچ جا نظم کوار نبود

که سلبهانی و علی الرسم جهت اخبار سیداونی یکبار زده شود

(C) ممکن است و طهران خواسته شد بلا واسطه و فاصله بدون

اخبار اصفهان نیز از حرف زند (C) و نیز از بهبهان طور بدون

آنکه اصفهان بفهمد طهران حرف زند در این وقت

و مخروط کوتاه تر از (C) و (D) و نیز از سوراخ (E) دقیقه

باید در اصفهان برداشته شود و در سوراخهای (D) گذاشته

شوند و مخروطهای فوق در صفحه (B2) نیز باید برداشته شوند

آنکه از این اصفهان دیگر زنگی نباشد (C) اگر طهران بدون

دانسته اصفهان خبری نیز از او نرسد توجه از این حرکت زده

از خطه (C) اصفهان رسیده و در اینجا از صفحه برق گیر (B)

(C2) و (D) (H2) از پیچ عبور کند و ما در صفحه دیگر (C)

(D) (B2) (C2) .... و خط (C) نیز از این رو در اینجا

به ازای سیم رفت اما بهبهان زیادی رسد تا آنکه بدون فاصله طهران را مستقیم شود

به پیچ دیگر پیچ طهران مستقیم کرده (C) اگر نیز از بدون واسطه طهران با

حرف زند سیاله در نیز از پیچ (C) که جا (C) برق گیر اصفهان

(B2) و (B1) (C2) و (H2) (D) صفحه پیچ (Z) (D) (B1)

(C2 – 1) و خط (C) طهران رسد و در اینجا که واسطه زیادی در اینجا

با فاصله نیز از رسد و به پیچ دیگر (Z) بعد از آن متصل رسد

مخروطهای کوتاه تر از (C) طهران و نیز از باید سابق از سوراخ (C) کار

و دیگر در طهران با نیز از اخبار زمان تا آنجا که همه اخبار زیاده است

باید یک سیاله متصل غیر منفصل به یک دقیقه طول نفرسته با اصفهان

و اسطه طول انکشاف کلوکتر از (B1) و (B2) میباید خبر داده

اصفهان در آن وقت باید مخابرات کمپانی را از بوشهر و جاهای دیگر رد نموده باره

در بوشهر و جاهای دیگر بگذارند تا اینکه با اروپا در ربط باشند قبل از اینکه از

کمپانی راه تلگراف را تمام نمودیم این نوع کمپانی مخصوص استعمال است و اینکه

خطوط مختلفه چند متفرقه دارد همین سبب می‌شود و نیز در جاهای یک باب

تنها ها در همه جا ممکن است و در راه یک همه جا چندان معتبر

نبوده بیم لازم نیست که همیشه سیم بسیار محکم به همه جا مثلاً

قم و طهران آنکه یک باب بیشتر در آن دو مکان بگذارند و نیز یک باب بیشتر

در آخر هر خط متفرقه گذارند این منازل آخر خطها شب ازیک

خط متفرقه جهت مکالمه ندارند و اینها را منازل آخر نامند و منازل بین

نامند قم و خط جنوبی تلگراف دارد و اینها را منازل مابین نامند و از

در دستگاه طهران همان با اصفهان حرف زنند این چهار تا نیز منازل

آخر نامند و نیز اگر قم با اصفهان تنها حرف زند این دو شهر نیز منازل

آخر نامند ولی اگر طهران به واسطه قم با اصفهان حرف زند قم منزل

مابین خواهد بود اصفهان و در دو باب ترانسلاسیون است

از آن منزل ترانسلاسیون نامند اگر منزل دیگر مانند طهران در این حالت

با شیراز حرف زند به واسطه ترانسلاسیون در اصفهان حرف زند به واسطه

ترانسلاسیون طهران با اصفهان طهران منزل منتهی خواهد بود و منازل

مابین نامند قم معاً چهار کم خواهد بود نسبت به بسیار منازل از این

باب است و در اسبابها در قم از خط راه خارج اند و [illegible]

مختلفه و حال وارد در منزل قم وارد آید و قم که خواهد بسیار منازل

تلگراف کند کمپانی را استعمال کند و چهار نقشه بعد [illegible] بیان

خواهند کرد استعمال این کمپانی را کمپانی [illegible]

صفحه سی چهار از این ۲ در دو چهار شکل واقع اند این چهار [illegible]

بطور عموم نصب شده اند [illegible]

درنهایت و دروازه نیز ... سرحد و جی

و مجرای خط … از طهران بیرون متصل است بصفحهٔ اول فوقانی
در همان صفحه یک سوراخ است و به او متصل است و زبانی که بر سر
خط … در اصفهان میرسد و متصل است بصفحهٔ فوقانی چهارم
این صفحه متصل است به پایهٔ بالاتر چنانکه سابق ذکر کردیم در صفحهٔ
دویم زیر یک سوراخ متصل است و زبانی میگذرد ممکن است
اتفاق افتد (٣) در صورتیکه قم در آن وجه بواسطهٔ خط
… حرف زنند با طهران و اصفهان سیم آن اکثر
در سوراخها ... بالاتر ... بگذرد و در صفحهٔ چهارم فوقانی
و خط … گذشته باصفهان رسد و از آنجا بواسطهٔ اسباب
زبانی رسد و چون ... بواسطهٔ زبانی در قم ... از صفحهٔ زبانی طهران
بیرون آید و از ... گذشته … و از آن گذشته در قم

بصفحهٔ اول

بصفحهٔ اول فوقانی و مفصول متصل است و به او میگذرد پیچ و قوه از او
خارج شده بود بری چنانکه در شکل اول نقشه کشیده شده (٢) در صورتیکه
قم بواسطهٔ خط … با طهران حرف زنند با یک محل که از پایه دار
سوراخ ... در اتصال صفحهٔ چهارم فوقانی و صفحهٔ دویم تحتانی با پایه
و متصل است نیز زبانی چنانکه در شکل دوم نقشه فلان نقطه کشیده
شده است پایه از مفصول ما تا بالاتر گذشته و از صفحهٔ زبانی زیر
و از زبانی طهران خارج شود و از اسباب گذشته و از خط …
گذشته و از صفحهٔ اول فوقانی به پایه پیچ برای اگر طهران خبری بقم بفرستد
سیم آن از … صفحهٔ اول در پایه و زبانی میگذرد تا به پیچ بالا
(٣) قم با ... بواسطهٔ خط … با اصفهان حرف بزنند باید مجرای
چنانکه در شکل سیم نقشه فلان نقطه کشیده شده است و در پایهٔ صفحهٔ فوقانی
اول و صفحهٔ تحتانی دویم که از زیر سایر محلها با اسباب مذکور داشته شود ...

از ماشین بولتار بواسطه صفحه چهارم در [illegible] باصفهان رسیده وازآنجا بواسطه
اسباب زمین رسیده وازرمین قم خارج شده واز صفحه تحتانی [illegible]
بصفحه فوقانی اول بر [illegible] اگر اصفهان خبری بقم بفرستد
از خط [illegible] بصفحه چهارم فوقانی ماشین بولتار و ورقه قم رسیده وازآنجا
بواسطه زمین باصفهان رسیده [illegible] درصورتیکه بقم خبری [illegible]
بدین واسطه مربوط اند یک محفظی درمیان صفحه فوقانی اول و صفحه
تحتانی اول و محفظه دیگر درمیان صفحه چهارم فوقانی و صفحه چهارم تحتانی
گذارند سیاله [illegible] از طهران میگذرد و بواسطه [illegible] از صفحه فوقانی
چهارم و تحتانی اول و صفحه فوقانی چهارم [illegible] اصفهان
[illegible] اسبابها زمین رسیده بلاواسطه بطهران آید اگر اصفهان
بطهران حرف بزند سیاله از [illegible] و صفحه چهارم فوقانی و صفحه
تحتانی اول و فوقانی اول [illegible] گذشته بطهران رسیده وازآنجا بواسطه

اسبابها زمین وازآنجا بلاواسطه باصفهان میگذرد
این نوع [illegible]

انتهای [illegible] در تلگراف [illegible] ایران باید کرده شود [illegible] شاید
تغییرات کلی پیدا شود ولی باید هر تلگرافچی یک [illegible] داشته
باشد تا تفاصیل را بتفصیل خود بداند

تلگرافچی

کسیکه مامور رساندن اخبار تلگرافی است باید آنچه نوشته ایم آنرا
بداند مخصوص الف [illegible] باید بطوری در [illegible] گوش او جا داشته باشد
که احتیاج باینکه فکر در ترتیب نداشته باشد [illegible]
[illegible] و خط تلگراف را خوب بداند تا اینکه اگر عیبی داشته
باشد بفهمد و بداند که عیب در کجاست بجهت آنکه اینها را
خوب بداند باید [illegible] کرده باشد و صاحب تجربه شده باشد [illegible]

با اسبابها زیاد کار کرده باشد در صورتیکه یک جزو از اینها
شکسته باشد باید با کمال صحت و دقت درست شود اگر درست نشد
باشد باید آنرا عوض کرد و درگیر فنر را زود درست کرد تا تکلیف او را
بکوبد حرکت نماید زمان درست طولانی است باید در تکرار حرکت این
اتفاقات را ملاحظه کند و اسباب را خوب پاک نگاه دارد
و مضبوط آنها را ببندد در خارج با آنها شود از دست زدن یک نوبت
دیگر تکرار سکتیم و لوله ربت و لوله دله کنیده باید ملاحظه کرد و تمامیت
نمود زیرا که محورهای آن بسیار نازک است و زود دور اگر آنها را سمت تکلیف
حرکت طبیعی خود کج کند بشکند یک تکرار حرکت فنر با ... دائما در
مدت ... و جای ... در کارخانه و با دوام و ما ... در روش و کار
... ما ... نسبت ... کنندگان و با دوام در حصول قیمت اخبار
دولت ... اخبار ... تکلیف را
ساعت سکنه ... تحریر گردید
۱۲۸۱

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت پادشاه روس که سفیر از جانب خود جناب
جنرال ناووا دیرورباکس دا تور و ورنامور کی دیلمان دولت
عظیمه را بمستور که با اعلیحضرت پادشاه پوقنزیک و اعلیحضرت امپراطور
فرانسه چون مایل بحفظ و برقرار داد و حمایت حقوق ممالک
سلطنت عثمانی است و در تمام روابط ممالک سلطنت عثمانیه قرار
شود و تغیراتی در رابطه تجارت متوالیه با مشرق انگریز ممالک اسلامیه
۱۸۵۵ تعهدنامه در دولت سلطان عثمانیه در بیست و نهم ماه ژوئن
عیسوی بسته متفق شدند برای بدید عهدنامه مذکور
کرده موافق قراری در فصل نهم ... رفتار کنند ...
مفصله را مامور رسیده که انکار نمودند از جانب اعلیحضرت
پادشاه پروس موسیو ... باور ... خطوط

[illegible]

مملکت پروس صاحب نشان چهارم عقاب قرمز درجه ... سن
سنیلاس روس و غیره مامور است از جانب اعلیحضرت
پادشاه مشترک سیور ... رئیس کل ... آن چاپار
خانها ممالک خانهای مشترک صاحب نشان درجه مشترک نشان درجه
فرانسه ... عقاب قرمز پروس ... نشان بشان
سن ... صاحب نشان پنجم لیاقت ...
و غیره مامور است از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه ...
... وزیر مختار صاحب نشان درجه فرانسه نشان اول لگور
بزرگ نشان سیم ... ایران نشان اول مجیدیه و غیره ...
کوت ... رئیس ... صاحب نشان ... فرانسه
نشان پنجم ... نشان درجه ... اسپانیا ... مامورند
این مامورین پس از آنکه با یکدیگر سندات ماموریت

دولتی خود را نموده‌اند و آن سند را موافق رسوم محکم و خوب نگه دارند [این عهد]

نامه را از جانب دول خود بستند فصل اول عموم [اهالی]

دول متعاهده حق این را دارند که در تلگرافخانه‌ها مطالب خود را

بگویند ولی هر دولتی حق دارد که رسل اخبار را [illegible]

امور که مرسوم است در باب خطوط تلگرافی که کشیده شده

یا بعد کشیده خواهد شد و جهات آن فیمابین دول متعاهده

از قراری خواهد بود که در این عهدنامه ذکر میشود لاکن هر دولتی

مخصوصه حق این را برای خود نگاه میدارد که مراقب [و] متکفل جمیع

امور و مخارج تلگراف را در خاک خود قرار دهد و مخارجات

در استعمال هر گونه اسباب تلگراف و نیز مخارجات هر گونه

اسبابیکه جهت حفظ و نظم و بازدید تلگراف خاک خود لازم است

فراهم سازد و باید داشت [illegible] اخبار مربوطه [illegible]

(ادامه)

از دولت متعاهده عبور کند تا موقع مقصود در این فصل سیم

دول فوق ملزم شده‌اند که آنچه متعلق به خطوط تلگراف دولتهای

مخصوصه اوست [illegible] کارهای دیگر [illegible] دهند و اگر تکلیف

[illegible] اسبابها یا قواعد [illegible] میشود یکدیگر بنمایند و هر دولتی [illegible]

دول متعاهده باید [illegible] تقضی [illegible] نوشته [illegible] را قرار

[illegible] عدد تلگرافخانه‌ها و اسبابها که در جهت اخبارات

مخصوصه یا عامه در هر نقطه خاک اوست رسم کرده بدهد [illegible]

در [illegible] نقشه مختصری از تغییراتیکه در آن باب [illegible]

امور تلگراف در هر جای خاک او [illegible] نوشته و لی

[illegible] اسباب [illegible] جهت اخبارات مربوطه دول متعاهده [illegible]

[illegible] هر دولتی مخارجات مراقب [و] متکفل خود در ربط تلگراف را

دول را تا زمان [illegible] موقوف کند [illegible] تمام روابط را [illegible]

و اما هر وقت بنای حسین تبریزی داشته باشد باید فوراً تمام اهل
مقابره را اخبار کند ۵ اهل مقابره ملتزم شدند که مدارات
لازمه بجا آورند ۶ اخبار نمایند که شخص صاحب خبر کسی در این روش تمام
اجرا در رابطه مطمئن باشند ۷ از حیثیت تقسیم زمان مخابره
تلگرافخانه باید بدین قسم قسمت شود ۸ مدت دائمی [illegible]
روزانه تا آخر [illegible] مدت یکجزو روز و باید داشت قسمت اول
ایشان باید لاینقطع شب و روز در کار باشند و تلگرافخانهای قسم
دوم باید بدین قسم باشد از اول [illegible] تا آخر [illegible]
ساعت بعد از نصف شب تا نه ساعت بعد از ظهر تلگرافخانهای [illegible] در کار
باشند و از اول اکتبر تا آخر مارث از هفت ساعت بعد از نیمه شب
تا نه ساعت بعد از ظهر و تلگرافخانه یک جزو روز مدت [illegible] روز
حتی اعیاد [illegible] یکشنبه از نه ساعت قبل ظهر تا ظهر [illegible]

بعد از ظهر

بعد از ظهر و اما یکشنبه ۹ از نه تا پنج ساعت بعد از ظهر حاضر باشند
و ساعات تلگرافهای هر مملکتی نسبت به ساعات پایتخت آن مملکت حساب
شود و در تلگرافخانهای غیر دائمی اگر قبل از بستن خبری از جایی رجوع
شده در میانه آن تلگرافخانه باید تمام شود (۷) اخبار تلگرافی به جهت
هر محل مقبول‌اند و اگر محلی خبر باید که تلگرافخانه نداشته باشد
اخبار [illegible] تلگرافخانه نزدیک محل مقصد [illegible]
اخبار را بواسطه چاپار یا [illegible] مخصوصه باید رساند تلگرافخانه [illegible]
اخبار خبر کرده و [illegible] باید رسانند تلگرافخانهای راه آهن [illegible]
ادارات [illegible] با [illegible] مخصوصه [illegible] باشند و اما اگر چاپار
تلگرافخانه خبر باید [illegible] از خبر چاپار یا [illegible] مخصوصه
زودتر [illegible] راه آهن محل مقصد [illegible] مخابرات [illegible]
خرج [illegible] نوشته و اگر دستور [illegible] خبر را به تلگرافخانه [illegible]

[illegible]

در حالتیکه کلید مقصود دو تا باشند باید چهار خانه فرستاد و معلوم است که خبر
چهار با خبر داده شده است (۸) اخبار رمز را در غیر مشد به ترکیب خانه
غلط واضح نوشته شود و خط را باشند دو باب ترکیب حروف از جهت
بر آیند و مطلب باید واضح و مفهوم باشد و نباید کلمات ترکیب
و رقم و عبارات غیر مستعمل و اختصارات در میان آید و در اخبار
باید نشانی خانه بلکه طرز رسانیدن خبر از آخرین تلگرافخانه کلید مقصود
نوشته شود و بعد خود مطلب و در آخر رقم راهی اگر ضرور باشد
شهود با آن رقم و ثانیا اشخاص مقصود و نزدش باید مطلوب باشد
و کلی مشتبه نباشد راهی باشد و غرابت ثانی حذف یا نقص
برآید و بعد از آنکه ثانی ناقص وارد گردید در باره مقصود درست تمام خبر را
از جهت باید برآید شخص راهی جهت شهود در رقم خود مخابرات
هر که را بخواهد تعیین کند (۹) اخبار به زبان قسم مرتب خواهد بود اول

اخبار اول

[illegible]

اخبار دولتی یعنی اخباراتیکه از رئیس دولتی یا وزرا یا کارگزاران
دولتی و امور بعضی از کارپردازان ممالک مستقله به یا نیز مقام گونه
این حق مستقل بودن است و سایر حقوق مخصوصه در غیر برای اخبار دولتی
منظور خواهد شد بطرز کار اخبار دولتی در اول عرض است ثم آنکه از طرف
ثبت اخبار دولتی در اول در باب عهدهای مخصوصه بسته اند باید
برسند و بعد اخبار تجارتی و سایر در اول مانند اخبار عمومی است
ثانیا اخباریکه مخصوص امور ملکی جهانی در اول تشایع است بنسبت
تقرارات لازمه با خطرهای عظیمه راه آهن و [illegible] اخبار
اشخاص عامه ناس است (۱۰) اخبار دولتی بهر زبان که خواسته شود
مقررات که گفته شده و لیکن باید بحروف هجی فرانسوی در دولت
و انگونه حروف مستعمل اند و نیز عنوان با ارقام هندسه
با حروف الف و با مستعمله و باید در راهی خارجی انکند

در این خبر لازمی است و مهر او بزنند باید باشد (۱۱) برای
اخبار عامه زبان نما و فرانسه در همه تلگرافخانه‌ها مقبول است
در تلگرافخانه‌ها [illegible] زبان دیگر قبول می‌کنند مخصوصاً مشخص خواهد
استعمال ارقام رومی [illegible] است و لا ارقام هندی [illegible]
تنزل درجه قیمت مسکوکات و مال التجاره را می‌توان
فرستاد مگر آنچه بنا بر مصلحت دولت در این باب تغییر داده
اخبار [illegible] باید در ولایتی که حروف فرنگ متداول است همان حروف
نوشته شود و اخبار را [illegible] تلگراف میانه روسیه و [illegible]
تلگرافخانه‌ها می‌توان [illegible] ارقام هندی نوشته شود (۱۲) اخبار مختصر
و ملخص [illegible] [illegible] حالت [illegible]
[illegible] [illegible] تلگرافخانه [illegible] تلگرافخانه [illegible]
[illegible] [illegible] این [illegible] تلگرافخانه‌های مرکزی شود

[illegible]

نسبت به تلگرافخانه رسمی کرده و زیر دست آن هم عرض شود و علم الاطلاق
در این باب خواهد کرد و تلگرافخانه‌های مرکزی [illegible] می‌توانند اخباریکه
نظرشان خطرناک است نگاه ندارند ولی اگر به از روی تشخیص این
نگاهشان بگذرد [illegible] مصلحت دولت نیست فوراً باید شخص [illegible]
اخبار کنند ولی تلگرافخانه‌ها به هیچ وجه تصرف در اخبار [illegible] نمی‌توانند کرد
(۱۳) اخراجات را به هر نحوی که [illegible] باید [illegible] اخبار [illegible] (۱۴) [illegible]
متعاهده فوق بدانند مخارج اخبار را موافق این فهرست [illegible] کند

منطقه	مملکت پروس	مسافات در مربع كيلومتر و فرانسه	خرج خبر از یک تا بیست کلمه	مخارج در هر ده كلمه زياده لازم است
	وسع پروس	وسع فرانسه را کیلومتر باشه	در هر یک ورانه	در هر یک فرانسه
۱	جوی لندرازه پروس خاط ازمنفعت است نمی شیتم	از يك تا صد	[illegible]	[illegible]
۲		از صد تا دویست و پنجاه	[illegible]	[illegible]
۳		از دویست و پنجاه تا چارصد و پنجاه	[illegible]	[illegible]
۴		از چارصد و پنجاه تا هفتصد	[illegible]	[illegible]
۵		از هفتصد تا هزار	[illegible]	[illegible]
۶		از هزار تا هزار و دویست و پنجاه	[illegible]	[illegible]
۷		از هزار و دویست و پنجاه تا هزار و هفتصد و پنجاه	[illegible]	[illegible]
۸		از هزار و هفتصد و پنجاه تا دو هزار و دویست	[illegible]	[illegible]
۹		از دو هزار و دویست تا دو هزار و هفتصد	[illegible]	[illegible]
۱۰		از دو هزار و هفتصد تا سه هزار و دویست و پنجاه	[illegible]	[illegible]

سؤال که این از ستون باشه یا نه
سه سته طرح نماید
یکا بماند ستون باشه
دو بماند ستون نباشه
سه بماند عاشق باشه

سؤال که در این لكلاع خبر است یا نه
سه سه طرح نماید
یکا بماند خبر است
دو بماند دغدغه
سه بماند بدات

سؤال که بیمار شفا یابد
سه سته طرح کنه
یکا بماند بمیرد
دو بماند شفا یابد
سه بماند طول کشد آنا شفا یابد

(۱۵) حساب بعد مسافات بجهة اخراجات خبار بر لوله کرده میشود بخط مستقیم در ممالک هر کدام از محل ارسال تا سرحد آن و از سرحد تا نقطه محل منظوره هم صده حساب خواهد شد و از سرحدی بسرحدی در هر مملکتی که عبور بکند حساب خواهد شد بجهة آنکه اعلامش در بیان این فهرست نشده در ل سته هره فوق قرار داده اند اخبار پس از یک یا نقطه سرحد مملکتی در مملکت دیگر خروج و دخول بکند دقیقه به سبب انقطاع لازم با زردیا دخبار لاینده ...

[illegible]

در جدول انسیان قسمتیه ثبت نیست باید بموافق قاعده مخرج یک نقطه
متداوله انداخت را بر دلت و جمله چهار رمز و علاوه براین قسمت در ازای هر
المکتش تا مکی مقصود است باید داده شود (۱) از ازای قسمه عدد کلمات
بدین تفصیل معمول باید داشت اولاً هر چه رسمی چهار رو نوشته داده است
در ضمن کلمات خواهد بود هر کلمه در پس در لغت سیلاب نوشته
یک کلمه حساب خواهد شد و کلماتیکه از این زیاد تر سیلاب داشته
باشند زیادتی آنها کلمه دیگری خواهد بود (۲) ثانیاً کلمات مرکبه اگر
از دو لغت سیلاب باشند یک کلمه حساب خواهند شد و اگر اجزاء
کلمات هر کدام نوشته شوند اگرچه خط و صورت داشته باشند
هر دو اجزا کلمه کلمه حساب خواهند شد (۳) ثالثاً هر نوع حروف با اعداد
و هر دو هر کلمه با اجزاء کلمه در هر جزو اپاستروف باید مانند یک کلمه
شمرده خواهد شد و علامات کلام و اپستروف و خط و صورت و غیره کم گرفته

نخواهد بود

[illegible]

نخواهد بود و کلماتیکه در زیر نشان خط نقطه باشند مانند دو کلمه خواهند بود و اشاره اینکه ابتدا
لازم است در ما کلمات میان کند مثل دو هزار کلمات حساب خواهند
شد (۴) اعداد مرسومه با ارقام هندسی هر رقم یک کلمه
حساب خواهند شد و اجزاء تا قصه پنج نیز یک کلمه محسوب خواهند شد
و علامات تدریج ارقام مانند رقمی محسوب اند و اگر اعداد با حروف
نوشته شوند مطابق جزو اول این فصل قسمت کلمات محسوب خواهند
بود (۵) در چهار رمزی هر عدد و حرف در با نقطه در نوشته مجموع آن
جمع خواهند شد و آنچه جمع شود تقسیم بسه خواهد شد و خارج قسمت عدد
کلمات است و باید محسوب شود باقی خارج قسمت نیز یک کلمه است
دگر با این خط زیر کلمات متداوله شد بهمان قاعده معمولی حساب
خواهند شد (۶) ثانی در قسم دستور بعضی در باب خبر با گرفتن
ملک اضافه و مشهور و ارقام جزو حساب کلمات خواهد بود جز اینکه

[illegible]

و ملاان قدر کلمات را جهة جواب ادا کرده است (۷) اسم اجناس

اشخاص و بلاد و ولایات و کوهها و سایر آنچه را که اسم رل با القاب ایشان

و حروف ملحقه ایشان موافق عدد کلمات آن شمرده خواهند شد (۸)

کلمات و ارقام و اشارات که علامت تلگراف جهة اجرات متعلقه

بخود تلگراف میگویند بی قیمت خواهند بود و تاریخ و ساعات و دقایق

مخابره و مکان ارجاعات تلگرافخانه راهی مخابره خواهد رسید اگر

آنکه آن شخص راهی در نوشته خود قید کرده باشد (۱۷) هر گاه که جهة راه

مستوان مخابره رفتار راهی مخابره باید تا زمانی که ترجمه مخابره را

او کند مگر آنکه راهی مخصوصه راه معینی را اختیار کند و اگر راه

نازکتر با راه منظور راهی بعلتی منقطع یا معوق شده باید

خبر رساند چرا که از راهها را اختیار کند و خرج آن را هم بعد مخابره

از راه غیر مستدام اول با راهی که غیر منظور راست شرح حق را دهم نخواهند داشت

[illegible]

[illegible]

اگر بنا بر مصلحتی یک از دول متعاهده راهی را جهة خبری جنسا کنند

بدون آنچه عقد شده است نمی تواند از تلگرافخانه راهی زیادتر را

پس بگیرد (۱۸) مخارج خبر نمره بودن از تلگرافخانه ها موافق شرایط

و از تلگرافخانه راهی خواسته خواهد شد - کاغذ جهة مخابر

خانه برای جمیع فرنگستان باب و از برای

سایر دول زمین [illegible] از اخراجات جهة تلگراف مخابر

خانهها که منظور کافه نیز مجری خواهد بود [illegible]

شخص مخصوص [illegible] است و آنگونه راهان مخابر باید

[illegible] که [illegible] زیادتر باشد از تلگرافخانه [illegible]

از [illegible] خواهد بود جهة هر ده [illegible]

نیم است [illegible] است [illegible]

و [illegible] تلگرافخانه راهی مخابر کند مخارج [illegible] مخابر

مطابق تلگرافخانه خبر فرستاده باشد مخارج استرداد مکتوب خواهد
بود از این بابت تلگرافخانه راهی و آن مبلغ جواب را اگر قسمت
دریافت کرده و آنچه خرج است، تلگرافخانه جواب دهنده مکتوب دارد
و جواب باید این عبارت را نوشته مبلغ جواب ادا شده تقبلاً
این چند کلمه قیمت نخواهد داشت هر جوابیکه پس از شصت روز داده
نشده است تلگرافخانه مبلغ دیگر را باشد جواب حساب نخواهد کرد
و اگر جواب تا ده روز داده نشده است با آنکه زیاده کلمات جواب را
آن شخص جواب دهنده دگر است شخص راهی تلگرافات خود را
تلگرافخانه ادعا میکند ولی باید حق مطابق آنچه را القبض تلگرافخانه قرار
داده که تحویلدار تلگرافخانه راهی بگیرد و تا شصت روز بعد از آن تا نهم روز
مهلت است از برای کسیکه نخواهد باید تلگرافخانه آنچه ملاحظه
برده ادعا کند ولی تا نهم روز بعد در تصرف تلگرافخانه راهی خواهد بود

باشد تلگرافخانه وجهی که بهای جوابیه را داده است لکن خواهد بود
(۱۹) یک خبر تلگرافی بچند نفر شخص فرستاده شود و با تلگرافخانه اجرت جواب
جوابیه اخبار را برای هر نسخه خبری با ملاحظه اضافه جوابیه گرفت
و هرگاه یک خبر بچند نفر تلگرافخانه رسید باید قیمت اخبار را مطابق عدد
تلگرافخانهها بدهد (۲۰) شخص راهی مختار است در بهای جواب را
مطابق عدد کلماتی که معین میکنند بدهد در چنین حالت باید در رقم
این کلمات را نوشته مبلغ جواب داده شده جهت مقدار عدد
کلمه و اگر جواب عدد کلماتش کمتر از آنکه منظور راهی معین باشد
حق رد قیمت نخواهد داشت و اگر زیاده بر آن باشد تفاوت خواهد بود
و جواب دهنده باید زیادتی را بدهد و اگر جواب راهی
از تلگرافخانه وصول راه تبدیل معین کرده روانه شود تفاوت مخارج
بر عهده تلگرافخانه جواب دهنده است اخبار تلگرافخانه جواب را معین کند

بلا

شخص راهی همراه و در سؤال خواهش کند در صورتیکه خبر به شخص بعد از مخابره
واصل نشود و نیز اینکه تلگرافخانه واصلی بشخص مخبر وصول خبر را اعلام کند
خرج صورت سؤال مطابق خرج سؤال خواهد بود و خرج اطلاع وصول
خبر مطابق [illegible] و کلماتیکه راهی قرار داده خواهد بود و این مخارج مانند
جوابهائیکه سلف [illegible] داده اند محسوب خواهند شد و [illegible] خاص و اعداد
و ارقام رمزی در تلگرافخانهای وسط راه زیادتی محسوب نخواهند شد
و این قرار را [illegible] معمولی اخبار رمزی [illegible] است (۲۱) تعداد اخبار
ترتیب خبر دهنده گان با ترتیب نوشته جائیکه در تلگرافخانه راهی [illegible]
وسط یا تلگرافخانه واصلی خواهد بود ولی ترتیب ذیل را منظور دارند اول
اخبار دولتی دویم اخبار متعلقه بامور مخصوصه تلگراف چنانکه [illegible]
و از [illegible] سیم اخبار عامه [illegible] هر خبریکه ابتدا شده است نباید قطع شود
مگر [illegible] از مرتبه اول بیاید شود در تلگرافخانه [illegible]

ایام

هر خبر یک رتبه [illegible] ترتیب [illegible] آنها باید فرستاده شود ولی [illegible] شد
اخبار دولتی و مخصوصه تلگراف در تلگرافخانه مربوط [illegible] باید
داشته باشند (۲۲) در زمان خبر دادن یا [illegible] اگر [illegible] شود
[illegible] خبر را بدون [illegible] معطل [illegible] فرستاد و هر قدر ممکن است
باید راهی اخبار را اعلام کرد در آن وقت راهی حق دارد در سؤال خود
[illegible] پس بگیرد (۲۳) بعد از آنکه خبری در تلگرافخانه تسلیم شده و مانع
در خطوط تلگراف پیدا شد آن تلگرافخانه [illegible] دیگر تلگراف کار کند
باید [illegible] را [illegible] روانه کند یا [illegible] نزدیکتر است
روانه کند [illegible] یا به تلگرافخانه [illegible] نزدیکتر است و کار بکند [illegible]
تلگرافخانه منظور باید باشد و آن تلگرافخانه واصلی باید [illegible] اخبار [illegible]
محسوب دارد و پس از آنکه مانع رفع شد آن تلگرافخانه خبر را [illegible]
[illegible] فرستاده است باید مکرراً [illegible] تلگرافخانه [illegible]

ولی اگر تلگرافخانه مقصد پس از رفع مانع خود خبر وصول مطلب را بدهد
لازم نیست (۲۴) پیش از آنکه شروع در مطلب کنند اگر راهی اخبار
بخواهند ببرند قبض تلگرافخانه را رد کرده پول خود را دریافت کنند از مطلب
با وجود این اگر آن شخص راهی نگاه خواهند داشت خبر بکند بهتر
بوده است میتوان مانع شد ولی بعد از آنکه مطلب پس گرفته شود از
قرار خسارتی که در تلگرافخانه وصول هنوز زیاده است مطلب را الا
اما آنشخص مدعی باید ثابت کند در خود راهی خسارت است و اینکه در
راهی ایراد است منع و قطع مطلب را در حالی که گفتگو است خرج مجدد
نخواهد داشت ولی آنکه خرج داده رد نخواهد شد اما سوالیکه خراجیش
کنند در بدل خبر را تلگرافخانه راهی زیاده باید هرچه خرج میشود
در خرج خبر احتیاط داده نخواهد شد (۲۵) اخبار بالاخص مقصوده مردن
خرج خواهد رسید در حالت غیبت ... در اخبار را به یکی از ...

مانع نقص

مانع آنشخص یا شاگرد یا نوکر یا مستاجر یا همسفر آن شخص نباشد مگر اینکه
با نوشته خودش شخص معینی از جانب خود قرار داده باشد که شخص
را از جانب شخص مقصود مطلب را رسید کرده باید در قبض خبر رسیدن کند
را از جانب فلان امضا نموده کند (۲۶) هرگاه تلگرافخانه در وصول خبر را
به شخص مقصود برساند باید تلگرافخانه راهی را در ضمن اخبار مخصوصه تلگرافی
خبر کند و تنها آنشخص راهی را خبر نماید و اگر شخص مقصود غیر معروف باشد
اسمش در تلگرافخانه راهی حساب داده خواهد شد و نیز در نشانی ... اگر آنشخص
نیابد مطلب خود را بخواهد مطلب باطل خواهد بود زیرا که آنشخص صاحب خرج
محتاج نیست در تلگرافخانه راهی گرفته شود (۲۷) اجزاء ... تلگراف
هیچوجه ضمانت صحت و سرعت نقل اخبار را نمیکنند و هیچوجه تحمل
ضرری که از کم شدن یا تغییر یافتن و یا دیر رسیدن وارد آید نمیکنند
و اگر خبر کم شده باشد یا تغییر کرده بطوری که از خبر مقصود خارج شده باشد

یا با الاجره از مخارج اجاره خانه مهمان نشان بدهد و اگر شهر آنچه مخارج کرده
رد خواهد شد ولی باید که ادعای روزنامه پس از شش ماه تجدید مطالبه باشد
و این خرج کردن اشخاص ملکی اتفاقی است در رابطه عدم توطیت خطا کرده است
ولی روزنامه بجهة خبر که کم شده تغییر یافته باید رسیده است میتواند نبوده در صورتیکه
غیر ملکی اتفاقهای راه آهن، ملکی اتفاقهای خارج در ال سعادة [illegible] شده باشند در صورت
مباشرین امور ملکی ارتباط میدهند روز مباشرین خارجه و روزنامه کنند
ولی در رسیدن بسبب های مخصوصه حقی در باب مخارج سهل نخواهد بود
در صورتیکه ارتباطی در حساب ذکر کرده در فصل [illegible] ارقام اخبار آنها
در تحقیق روزنامه راهی نخواهد بود مگر از آنچه که ارتباطی مکلف نبوده است
(۲۸) اگر در اخذ خرج ملکی اتفاقی آن سهو کرده باشند و کم نموده انرا بعد
باید از غیر است آنچه برانند و اگر زیاد هم سهو شده مخارج رد خواهد شد
(۲۹) صورت خبر دکه که بت اخبار ارتباط رقوبات [illegible] آنها

اتفاق تا یکسال میمانند با تمام ارتباطی که در حفظ سر رابطین و در صلاحی مرعی است
به ایران هست متعهد بنمایند تا طی کرد (۳۰) در مراودات اداری
اخراجاتیکه متحمل میشود همان اخراجات است متعلق بامور مخصوصه ملکی اتفاق است
(۳۱) خرج در باب سوادهای اخبار باید بهمان ملکی اتفاقانه که در ملک آن
این سوادها را فرستاده تغییر دهد بهمین طریق خواهد بود اخراجات تلغرافیه
که جهت ارباب اخبار است در اطراف ملکی اتفاقیها (۳۲) رد حاصل
حساب طرفین شش ارز اساس هر ماه نخواهد بود و میزان حساب در ارباب
هر قطعه های بهرکس خواهد رسید و نسبت پولها چنین خواهد بود سر و یک
و آنچه پولها یک تا ده در ارزده سانتیم نیم یک گرد خواهد بود و دیگر زیکه از نصف
گرد کمتر باشند محسوب نخواهد بود و آنکه از نیم گرد بیشتر است یک گرد حساب
خواهد شد (۳۳) میزان حساب سالها باید یکه در اتحاد ملت رواج
بار باب یکی رد آنچه خواهد (۳۴) [illegible]

در پاریس از جانب دول متعاهده دکلاته مکتب فرانسه اورنده جهه تغییرات
و از کار آن حاصل شده بود نسبت بمنافع دول با اشخاص
مهیه ولذا مراتب و این تغییرات را باید تمام دول متعاهده بپسندند
و اگر یک پسندیدن آن قرار دهیم مجری خواهد بود (۳۵) دولت اعلیحضرت
پادشاه پروس اعلام میکند و این عهدنامه از جانب خود و از جانب
دولتیکه اجزاء از رابطه مترافقه نادالاتحاد بسته شده باید مجری
خواهد بود (۳۶) این قرارنامه اجرا خواهد بود هرچه زودتر ممکن
شود و از روزیکه معاوضه معاهدات شده است تا یکسال مجری خواهد بود
ولی دول فوق متعاهده مختارند که درصورت قبول همه دولت
اجرا را بیشتر کنند در این صورت حتمی خواهد بود و زمان اجرا را باید معین
و با یکدیگر قرار اعلام عهدنامه خواهد بود (۳۷) دولتیکه در این عهدنامه
نشده باید تجدید قبول خواهد بود اگر خواهش کنند (۳۹) این عهدنامه قطع

خواهد

خواهد شد و با قبول طرفین معاوضه خواهد شد در برلین هرچه زودتر
ممکن شود لیکن دولت پروس قبول نخواهد کرد تا وقتیکه جمیع دول با ... ات
شده که رابطه مترافقه نادالاتحاد را امضا کرده‌اند تصدیق نمایند
دول متعاهده رقم کرده و مهر مخصوص دولتی خود را نهاده در این
عهدنامه در نهم ماه ژوئن هزار و هشتصد و نود و هشت عیسوی در برلین
با تمام رسید و اشخاص رقم کننده قرار شوند ... ره و ... کنند

ا ب پ ت ث ج

چ ح خ د ذ ر ز

ژ س ش ص ض ط

ظ ع غ ف ق

ک گ ل م ن

و ه ی